

بررسی حقوقی دفاعیات شکلی در برابر اسناد الکترونیکی در حقوق ایران و فرانسه و امریکا

محمد باقر فیجان ۱ و محبوبه حسینی ۲

1mohamad fiji@yahoo.com

2mahbob1403@gmail.com

چکیده

در این تحقیق موضوع «دفاع شکلی در برابر اسناد الکترونیکی» به کاوش و بررسی گذاشته شده است. موضوع فوق شامل بررسی پروسه قضائی و تحلیل حقوقی آن از مرحله ارائه سند به دادگاه و نحوه استناد به آن در محاکم تا آثار مترتب بر رسیدگی به تعرض به اصالت یا شکل مادی و ظاهری سند می‌باشد. اسناد الکترونیکی علی‌رغم تفاوت‌های که با سند کتبی دارند از مصادیق سند نوشته است و این نظر توسط نظریه معادلهای کارکردی و با اهدافی که از سند سنتی انتظار می‌رود با ادله الکترونیکی برآورده می‌شود. وجه تمایز ادله الکترونیکی با سنتی در تقسیم بندی اینهاست که بر دو دسته مطمئن و غیر مطمئن می‌باشد. بدین صورت که اسناد الکترونیکی غیر مطمئن دارای ارزش اثباتی برابر با اسناد سنتی و اسناد الکترونیکی مطمئن دارای ارزش اثباتی بالاتر از غیر مطمئن و سنتی عادی و پائین تر از اسناد رسمی هستند. و استناد کننده به این ادله اول باید اوصاف مذکور را اثبات کند سپس از مزایای آن یعنی برابر با نوشته و امضای دستی بهره‌مند شود و این امر برای اشخاص و محاکم مشکل آفرین شده است. در حقوق ایران در عکس حقوق فرانسه ایرادات (دفاعیات شکلی) عمدتاً در یک ماده قانونی آمده است هر چند در حقوق فرانسه نیز عمده ایرادات در یک فصل به خصوص پیش‌بینی شده‌اند. همچنین عناوین و مصادیق سه‌گانه و قانونی دفاع شکلی در برابر اسناد (جعل، انکار، تردید) در قالب مباحث حقوقی، شرح و تفسیر و رویه‌های قضایی موجود در این زمینه استخراج و ذکر شده است.

واژه‌های کلیدی: دفاع شکلی، حقوق، جعل و انکار و تردید، حقوق ایران.

مقدمه

پیش از ظهور تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطی، دلیل فقط در شکل سنتی آن یعنی در قالب های اقرار، سند کاغذی، شهادت، امارت و سوگند متصور بود و کاغذ، مهمترین حامل اطلاعات به شمار می آمد اما در طی قرن اخیر، اختراعات شگرفی در زمینه تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطی صورت گرفت؛ تلگراف، تلفن، نامبر، میکروفیلم، رایانه و اینترنت روش های جدیدی را برای برقراری ارتباط به وجود آورد، سهولت و کارایی این ابزارها موجب ترویج سریع استفاده از آنها در امور تجاری و حتی روزمره مردم شد، تا جایی که شیوه جدیدی از تجارت برای مبادله اطلاعات تجاری بدون استفاده از کاغذ به عنوان تجارت الکترونیک شکل گرفت. همچنین، ابزارهای رایانه ای چنان دقیق و هوشمند هستند که علاوه بر آنکه به عنوان ابزاری جهت ذخیره و انتقال اطلاعات به کار می روند، قادر هستند به صورت خودکار، بدون دخالت مستقیم انسان، اطلاعات را ایجاد و پردازش کنند.

اطلاعاتی که توسط ابزارهای جدید تولید، ذخیره و پردازش می شوند یا با استفاده از این ابزارها انتقال می یابند، اندک اندک به عنوان دلیل مورد استناد قرار گرفتند در نتیجه، در کنار ادله سنتی، نوع جدیدی از ادله به نام ادله الکترونیکی شکل گرفتند. ماهیت دلیل الکترونیکی، متفاوت با دلیل سنتی است. دلیل الکترونیکی مادی و ملموس نیست، به راحتی قابل جعل و تغییر است و از آنجا که معمولاً در قراردادهای الکترونیکی و مبادلات از راه دور مورد استفاده قرار می گیرد، به دلیل عدم رویارویی فیزیکی طرفین، شناخت هویت صادر کننده سند دشوار است. همچنین مفهوم «اصل سند» به معنای سنتی که برای نخستین بار به وجود آمده است در محیط الکترونیکی ممکن نیست، زیرا تمام اطلاعاتی که در صفحه ابزارهای الکترونیکی مشاهده می شوند، پس از انتقال از قسمت های مختلف حافظه رایانه به نمایش در می آیند.

متفاوت بودن این ویژگی ها موجب شد پذیرش دلیل در دادگاه ها بر اساس نظام ادله سنتی اثبات دعوا که برای اعتبار اسناد، نوشته بودن، تشخیص هویت صادر کننده سند و اصالت سند را لازم می داند با مشکل مواجه شود، اما استفاده روز افزون از ابزارهای الکترونیکی و نیاز مبرم تجار به اعتبار دلایل الکترونیکی موجب شد در دهه ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم، اقداماتی در جهت معتبر شمردن این نوع دلایل صورت گیرد.

پس از ظهور دلایل الکترونیکی در ایران نیز به دلیل اختلاف ویژگی های دلایل الکترونیکی و دلایل سنتی، در پذیرش دلیل الکترونیکی تردید وجود داشت، کمیسیون مشورتی آیین دادرسی مدنی اداره حقوقی قوه قضاییه با این استدلال که دلایل در نظام حقوقی ایران شمارش شده اند، ضبط صوت را غیر قابل استناد دانست، اما نیاز جامعه به اعتبار این دلایل موجب توجه قانونگذار به این امر شد تا اینکه نهایتاً اعتبار و ارزش اثباتی دلایل الکترونیکی با تصویب قانون تجارت الکترونیک در ۱۳۸۲/۱۰/۲۹ پذیرفته شد. این قانون براساس قانون نمونه آنسیترال در مورد تجارت الکترونیکی و با عنایت به قانون نمونه امضای الکترونیکی وضع شده است. پس از آن، با تأسیس مرکز صدور گواهی دیجیتالی در آذر ماه ۱۳۸۵، گام بلندی به سوی اطمینان دلیل الکترونیکی برداشته شد.

همانطور که بیان کردیم، منشأ اعتبار دلیل الکترونیکی، قانون تجارت الکترونیک است، به همین جهت ممکن است این امر مورد شبهه قرار گیرد که با توجه به عنوان این قانون که واژه تجارت را با خود دارد آیا قلمرو این قانون صرفاً دلایل تجاری الکترونیکی را در بر می گیرد یعنی آیا احکام این قانون صرفاً در دلایل تجاری قابل اعمال است و یا شامل دلایل الکترونیکی که در دعاوی کیفری و حقوقی مورد استفاده قرار می گیرند، نیز می شود مثلاً در صورتی که در یک دعاوی حقوقی، زوجه ضمن یک سند الکترونیکی، زوج را از پرداخت مهریه ابراء نموده باشد آیا اعتبار چنین سندی می تواند مشمول قانون تجارت الکترونیک باشد.

برای پاسخ به این سؤال تجارت الکترونیک را تعریف می شود. که تعاریف متفاوتی از این واژه ارائه شده است. و وجه مشترک همه تعاریف، این است که تجارت الکترونیک، به هر حال قلمرو تجارت را در بر می گیرد اما بر خلاف این تعاریف، قانون تجارت الکترونیک، قلمرو خود را محدود به موضوعات تجاری نکرده است. ماده ۱ این قانون در معرفی قلمرو شمول قانون مقرر می دارد: « این قانون، مجموعه اصول و قواعدی است که برای مبادله آسان و ایمن اطلاعات در واسط های الکترونیکی و با

استفاده از سیستم‌های ارتباطی جدید به کار می‌رود». پس، قواعد و احکام این قانون در مورد تمام اطلاعاتی که توسط ابزارهای الکترونیکی یا سیستم‌های ارتباطی جدید، مبادله شده و یا ذخیره می‌شوند اعمال می‌شود و محدودیتی برای موضوع آنها تعیین نشده است. بنابراین، چنین اطلاعاتی حتی اگر موضوع آنها امور تجاری نباشد، تحت شمول این قانون قرار می‌گیرند. دقت در مواد این قانون نیز نشان می‌دهد که قلمرو این قانون، صرفاً امور تجاری نیست.

به عنوان مثال، مواد ۶ و ۷ و ۸ قانون تجارت الکترونیک، در مواردی که وجود یک نوشته، امضاء یا ارائه اصل سند «از نظر قانون» لازم باشد داده پیام را در هر مورد معادل این الزامات قانونی می‌داند، در این مواد، واژه «قانون» به معنای عام به کار رفته است پس می‌تواند تمام قوانین را شامل شود و محدود به قانون تجارت نشده است، از طرفی ماده ۶ قانون تجارت الکترونیک، مواردی را از شمول اصل برابری داده پیام و نوشته خارج کرده است که یکی از این موارد، اسناد مالکیت اموال غیر منقول است. با توجه به آنکه این اسناد در زمره اسناد مدنی هستند، در می‌یابیم قلمرو قانون تجارت الکترونیک و احکام آن و نیز اصل برابری داده پیام و نوشته، تمام دلایل را شامل می‌شود و صرفاً شامل امور تجاری نیست، در غیر این صورت، نیازی به مستثنای اسناد مالکیت اموال غیر منقول که نوعی از اسناد مدنی هستند از اصل کلی برابری داده پیام و نوشته نبود، زیرا در چنین فرضی، این اسناد به خودی خود، خارج از قلمرو قانون قرار می‌گرفتند. این پژوهش شامل چهار فصل می‌باشد که در فصل اول به بررسی کلیات تحقیق، فصل دوم به مبانی و مفاهیم مساله پرداختیم و فصل سوم به بررسی ادله‌ها و دفاع شکلی در برابر اسناد الکترونیکی و در نهایت فصل چهارم به نتیجه‌گیری و پیشنهادات پرداخته ایم.

۱-۲- بیان مساله

دفاع در لغت، مصدر عربی از دفع و به معنای یآوری و از کسی حمایت کردن یا بدی و آزاری را از خود دور کردن و دفع نیز به معنای تأدیه کردن، رد کردن گفتاری با حجت و دلیل، مخالفت و منع آمده است. و در حقوق جوابی است که اصحاب دعوی به یکدیگر می‌گیرند. ایرادات که در واقع طرق عمده دفاع شکلی است با توجه به قوانین جمع‌آوری و تقسیم‌بندی می‌شوند و آثار و احام آن‌ها مشخص می‌گردد و از آن جهت از اهمیت والایی برخوردارند که چنانچه خواننده بتواند با یکی از طرق شکلی دعوی را رد نماید دیگر برای همیشه (مثل ایراد اعتبار امر مختومه یا ایراد مرور زمان) یا برای موقت (مثل ایراد عدم اهلیت) از دفاع ماهوی فارغ می‌شود. در دعوی مطروحه در مراجع حقوقی و سایر مراجع غیر کیفری، اسناد ومدارکی که طرفین فراهم می‌کنند از مهمترین و رایجترین دلیل ادعاهای طرفین است. طرفی که برای اثبات ادعای خود به سند استناد می‌نماید. معمولاً، امید زیادی به پیروزی دارد. زیرا قانون تشخیص میزان ارزش و تاثیر این دلیل را در اختیار دادگاه قرار نداده در حالی که در مورد دلایل دیگری مانند گواهی، کارشناسی، اماره قضایی و وسایل اثباتی که اماره شمرده می‌شوند تشخیص و ارزیابی دادگاه علی القاعده نقش تعیین کننده دارد. البته در اسناد نیز دادگاه است که باید به مفاد آن توجه و آن را تفسیر نماید. هر یک از طرفین که سندی موثر علیه او مورد استناد قرار گرفته، در نخستین گام، ناچار است دفاع در برابر سند را تدارک نماید که این دفاع حسب مورد یا ماهوی خواهد بود و یا دفاع شکلی شیوه‌های دفاع ماهوی در برابر اسناد قابل شمارش نیستند مثل ادعای فسخ یا بطلان یا تبدیل تعهد و... ولی برعکس شیوه‌های دفاع شکلی محصور هستند منظور از دفاع شکلی در برابر سند، حمله به ساختمان مادی و شکل ظاهری آن است در واقع تعرض به اصالت سند است بدین معنا که به طور کلی طرفی که سند علیه او مورد استناد قرار گرفته، صدور سند از سوی منتسب الیه را نمی‌پذیرد و یا آن را متفاوت با شکل و وصف اصیل آن اعلام می‌نماید. دفاع شکلی در برابر اسناد کلاً تحت سه عنوان انکار و تردید و جعل مورد بررسی است.

اگرچه ادعای جعل مادی ممکن است نسبت به اسناد رسمی یا غیر رسمی به عمل آید اما انکار و تردید نسبت به اسناد رسمی و اسناد عادی که اعتبار سند رسمی دارند شنیده نمی‌شود و تعرض به این دو دسته از اسناد تنها در قالب ادعای جعل امکانپذیر است بنابراین طرفی که سند عادی علیه او ابراز گردیده تکلیفی به طرح ادعای جعل ندارد مگر اینکه ادعا داشته باشد که در سند عادی که امضای آن اصیل است جعل مادی صورت گرفته که در این صورت، راهی جز ادعای جعل ندارد، زیرا هرگاه

حسب مورد به انکار یا تردید روی آورد با محرز شدن اصالت امضاء، تمامی مفاد سند به اوتحمیل میشود. (ماده ی ۱۳۰۱ قانون مدنی)

تفاوت بنیادین دیگری که ادعای جعل، از یک سو وانکار و تردید از سوی دیگر دارد، این است که انکار و تردید چون "اظهار" شمرده می شود و نه "ادعا" لازم نیست از سوی اظهارکننده اثبات شود بلکه، به صرف انکار یا تردید، تکلیف اثبات اصالت سند بر دوش ابراز کننده ی آن نهاده می شود. در حالی که ادعای جعل چون ادعا شمرده می شود باید توسط ادعاکننده اثبات شود تفاوتی نمی نماید که سند مورد ادعای جعل عادی یا رسمی باشد البته طرفی که علیه او سندی ابراز گردیده و آشنا به مقررات می باشد علی القاعده، در صورتی برای تعرض به اصالت سند راه ادعای جعل را انتخاب می نماید که یا راه انکار و تردید بسته باشد (سند رسمی است یا اعتبار سند رسمی را دارد) و یا اگر هم راه انکار یا تردید باز باشد (سند غیر رسمی است و اعتبار سند رسمی هم ندارد) چاره ای جز ادعای جعل نداشته باشد ادعای جعلیت باید با ذکر دلایل جعلیت باشد.

اگر سند غیررسمی بوده و مشمول ماده ی ۱۲۹۱ قانون مدنی نیز قرار نگیرد می توان حسب مورد نسبت به آن انکار یا تردید نمود حتی اگر چنین سندی لازم الاجرا باشد بنابراین برای مثال اگرچه چک از اسناد لازم الاجرا می باشد اما چون سند رسمی شمرده نمی شود می تواند مورد انکار یا تردید قرار گیرد. با توجه به موارد فوق اینکه اسناد الکترونیکی شرایط و ویژگی های سند رسمی را دارا می باشند در این پژوهش بر آنیم تا به بررسی حقوقی دفاعیات شکلی در برابر اسناد الکترونیکی در حقوق ایران، فرانسه و امریکا بپردازیم و ابهامات موجود را تبیین و مرتفع نماییم.

۱-۳- اهمیت و ضرورت

دفاع شکلی در برابر اسناد الکترونیکی از اهمیت بسزایی برخوردار است چرا که چنانچه خواننده بتواند از نظر شکلی دعوی را رد نماید دیگری نیازی خواه به صورت دائم، خواه به صورت موقت، به دفاع ماهوی نخواهد داشت و در واقع خواننده در صورت پذیرفته شدن ایراد از سوی دادگاه، دعوی خواهان را رد کرده است و نیازی به دفاع ماهوی نخواهد داشت و ملاحظه می شود این دفاعیات از چه اهمیتی برخوردار هستند

دفاع شکلی در برابر اسناد الکترونیکی یا به بیان روشنتر حمله به ساختمان مادی و شکل ظاهری اسناد با عناوین حقوقی مورد بحث (انکار، تردید، جعل) تا آنجا که نگارنده بررسی نموده فاقد سابقه بوده و از ابداعات حقوق مدرن و عصر قانون گذاری است. بعد از تصویب قانون اصول محاکمات حقوقی و قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و اختصاص مواد ۲۱۶ تا ۲۲۹ این قانون به مبحث انکار و تردید و جعل، حقوقدانان خصوصاً در کتب مربوط به آیین دادرسی مدنی بصورت اجمالی و گذرا به موضوع مورد بحث اشاره نموده اند ولی بحث حقوقی مستقلی را که متضمن تالیف و ایجاد اثر حقوقی به همین مضمون و خصوصاً مباحث مورد بحث در این پایان نامه باشد پدید نیاورده اند.

هدف اصلی

۱- بررسی حقوقی دفاعیات شکلی در برابر اسناد الکترونیکی در حقوق ایران، فرانسه و امریکا

مرور ادبیات و سوابق مربوطه

نتایج جستجو در کتب و تالیفات حقوقی و پایان نامه های دانشجویی بیانگر آنست که تاکنون کتاب یا پایان نامه ای که منحصرأ و به طور خاص به بررسی دفاع شکلی در برابر اسناد الکترونیکی پرداخته باشد، به رشته تحریر در نیامده است و این تحقیق در زمینه خود جدید می باشد. انتخاب این موضوع، در نوع خود و با دارابودن زمینه ها و چارچوب های کلان پژوهشی، اقدامی جدید است که به شرح یاد شده، تحقیق پیرامون آن ضرورت دارد؛ با توجه به توضیحات یاد شده، در بخش هایی از کتاب های ذیل به دفاع شکلی در برابر اسناد اشاره شده است:

ب: شمس، عبدالله، آئین دادرسی مدنی، جلد سوم، انتشارات دراک، چاپ سوم، ۱۳۸۴، صص ۱۸۰ تا ۲۲۷.

ج: صدرزاده افشار، سید محسن، ادله اثبات دعوی در حقوق ایران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۹، صص ۸۲ تا ۱۰۵.

د: مدنی، سید جلال الدین، آئین دادرسی مدنی، جلد دوم، انتشارات پایدار، چاپ اول، ۱۳۷۹، صص ۲۵۸ تا ۲۷۴.

ه: مدنی، سید جلال الدین، ادله اثبات دعوی، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۰، صص ۱۴۷ تا ۱۷۰.

ر: واحدی، قدرت‌الله، ائین دادرسی مدنی، جلد دوم، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۱۱۵ تا ۱۱۹.

بابا خانی در سال ۱۳۸۹ در پژوهش خود تحت عنوان قابلیت استناد اسناد الکترونیک در دعوی مدنی قانون مدنی در ماده ۱۲۵۸ اسناد کتبی را به عنوان یکی از ادلهی اثبات دعوا برشمرده و متعاقب آن در ماده ۱۲۸۴ در تعریف سند چنین مقرر داشته است: «سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد.» تعریف ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی از جمله گویای این است که سند باید صورت مادی و تجسم بیرونی داشته باشد. اما گرایش روزافزون به بهره‌گیری از وسایل الکترونیک، و همچنین میل گسترده به استفاده از انعقاد قرارداد به شکل الکترونیک نهایتاً دولت‌ها را وادار نموده تا از جمله جنبه‌ی حقوقی آن‌ها را مورد توجه قرار داده و به وضع قوانین مناسب، در این زمینه بپردازند. در کشور ما نیز وضع قانون تجارت الکترونیک ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ را، می‌توان گامی مهم و موثر در این زمینه به شمار آورد. علی‌رغم وضع قانون تجارت الکترونیک ایران، وضعیت قراردادهای الکترونیک و به تبع آن دلایل الکترونیک خصوصاً اسناد الکترونیک در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و همین امر، امکان دادرسی صحیح و عادلانه را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته است. محور اصلی رساله‌ی حاضر بررسی اسناد الکترونیک بعنوان شکل جدیدی از اسناد موضوع ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی است. در این تحقیق به این مهم پرداخته می‌شود که؛ اگر چه قانون مدنی در تعریف سند به صراحت از لفظ «نوشته» استفاده کرده است، اما مقایسه اسناد سنتی و اسناد الکترونیک این امر را روشن می‌سازد که مطابق نظریه‌ی معادلهای کارکردی، هر آنچه را که بتوان بعنوان کارکرد اسناد سنتی در نظر گرفت، دقیقاً و یا حتی به شکلی بهتر از آن، اسناد الکترونیک تأمین می‌نمایند و همانند سایر دلایل از قابلیت استناد برخوردار بوده و طرفین می‌توانند با ادعای جعل و یا انکار و تردید به اصالت این اسناد تعرض نمایند.

آقایاری در سال ۱۳۹۰ در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان قواعد ایرادات و آثار آنها در رسیدگی‌های مدنی بررسی کرد که از جمله تکنیک‌هایی که طرفین یک دعوی حقوقی در موقعیت دفاع از خود بدان متوسل می‌گردند، ایجاد موانعی در راه رسیدگی دادگاه است که این موارد با عنوان ایرادات در آئین دادرسی مدنی شناخته می‌شوند. ایراد اشکالی است که اصحاب دعوا (بویژه خواننده) یا حتی در مواردی نیز دادگاه جهت ایجاد مانع موقت یا دایم بر روند رسیدگی به دعوی اقامه شده مطرح می‌کنند. به موجب ماده ۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی خواننده می‌تواند ضمن پاسخ به ماهیت دعوا ایراد کند. در حالی که با طرح بعضی ایرادات خواننده منکر وجود حق یا منکر عدم صلاحیت مرجع رسیدگی می‌شود که باید این ایرادات بدون پاسخ به ماهیت دعوا جداگانه مطرح شود. ایرادات قانون آیین دادرسی مدنی را می‌توان از نظر امری یا تکمیلی بودن مورد تقسیم بندی قرار داد که در مورد ایرادات امری در صورت عدم طرح آنها از سوی طرفین، دادرس باید ترتیب اثر بدهد. از طرفی، از آنجا که قانون آیین دادرسی قانون شکلی است بنابراین اصل بر شکلی بودن ایرادات می‌باشد؛ ولی مواردی وجود دارد که با طرح ایراد، دادگاه برای اتخاذ تصمیم وارد رسیدگی ماهیتی در پرونده می‌شود. ایرادات علی‌الاصول حق خواننده دعوا می‌باشد ولی در مواردی خواهان و دادگاه نیز طرح ایراد می‌کنند. تصمیمات دادگاه در صورت طرح ایرادات به صورت قرار می‌باشد.

آقایاری در سال ۱۳۹۱ در پژوهش خود تحت عنوان دفاع پیش‌دستانه در حقوق کیفری بین‌المللی و فقه امامیه بررسی کرد که می‌بایست میان دفاع پیش‌دستانه و دفاع پیش‌گیرانه تفاوت قائل شد و غیرقانونی بودن و نامشروع بودن مربوط به دفاع پیش‌گیرانه که متضمن فاصله‌ی زمانی تا وقوع خطر است، می‌باشد ولی پیش‌دستی در دفاع با وقوع عینی قریب الوقوع بودن خطر هم در فقه امامیه و هم نظام‌های حقوقی دنیا پذیرفته شده و تفسیر این گونه از ماده ۵۱ منشور ملل متحد نیز موجب حاصل شدن نتیجه‌ی قانونی بودن این اقدام از لحاظ حقوق کیفری بین‌المللی می‌گردد.

افخم در سال ۱۳۹۱ در پژوهش خود تحت عنوان ایرادات اصحاب دعوی در حقوق ایران و منابع فقهی بررسی کرد که ایرادات محصور که در قانون صریحاً پیش‌بینی شده‌اند، در حقیقت یکی از تفاوت‌های ایراد به عنوان دفاع شکلی، با دفاع مالیهی است. ایرادات ممکن است جنبه عمومی داشته باشد.

روحی در سال ۱۳۹۴ در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان بررسی تطبیقی مفهوم دعوا و دفاع و معیارهای تمایز آن در حقوق ایران و حقوق فرانسه نتیجه گرفت که در قانون آیین دادرسی مدنی ایران برخلاف قانون فرانسه، تعریفی از دعوا دیده نمی‌شود و همین امر باعث طرح تعاریف متعددی از سوی حقوقدانان در مورد دعوا شده است. دفاع در حقوق پاسخی است که

اصحاب دعوا در مقابل ادعاها به یکدیگر می دهند. تقسیم بندی دعاوی به عینی و شخصی و مختلط در حقوق فرانسه، هرچند در قوانین ایران مورد تصریح واقع نشده است، اما در بعضی موارد می توان تأثیر آن را در قوانین مشاهده کرد. با اینکه اثر مترتب و اشاره برخی قوانین به دعاوی اعم از عین و دین شباهت زیادی به تقسیمات دعاوی در حقوق فرانسه دارد اما باید گفت که این مورد دلیل الگو پذیری از حقوق فرانسه نیست؛ بلکه در مقام هماهنگی با یکی از تقسیمات انواع حق در حقوق مدنی و حتی ناظر به جانمایی ورثه نسبت به مورث برای اجرای تعهدات عینی و دینی در حوزه تعهدات مالی است. ممکن است وجود تشابه ناشی از عقود و ارتباط بین صاحب حق و موضوع حق در حقوق ایران و حقوق فرانسه به علت تشابه آثار عقود در هر دو سیستم حقوقی تلقی و تصور شود، عقود و تعهدات و حقوق مشابه تقسیم بندی مشابه دعاوی را موجب می گردد؛ اما باید توجه داشت که تشابه در آثار عقود و ایقاعات است که تقسیم آن دعاوی را نیز مشابه کرده و در حقوق ایران، قانونگذار از تقسیم حقوق عینی و شخصی برای تقسیم بندی دعاوی سود نبرده است؛ بلکه از یک جهت نگاه به موضوع حق مورد نزاع مبنی بر منقول یا غیر منقول بودن آن منشاء تقسیم بندی واقع نموده که آثار بارز آن در شناخت دادگاه صالح برای اقامه دعوا ظاهر شده است؛ در حالی که در حقوق فرانسه علاوه بر ماهیت حق مورد نزاع و به تعبیر بهتر ماهیت رابطه حقوقی بین شخص و شیئی مبنای ظهور دعاوی عینی و ماهیت رابطه حقوقی بین شخص و دیگری مبنای دعاوی شخصی گردیده است. خواننده در مقام دفاع، برای جلوگیری از شکل گیری رسیدگی و دفع دعوا یا دفع ادعای خواهان و جلوگیری از محکومیت در موضوع دعوا به دفاع مقتضی و متناسب در قبال مسائل مطروحه توسط خواهان در مسایل موضوعی، مسائل حکمی و استفاده از ادله اثبات دعوا و مدنظر قراردادن ایراد مسائل شکلی به طرح دعوا می پردازد و بدین لحاظ واکنش دفاعی خواننده به دفاع ماهوی و دفاع شکلی تقسیم می شود. دفاع ماهوی در معنای عام که پس از ورود به ماهیت دعوا صورت می گیرد، دفاع در قبال امور موضوعی و حکمی و ادله اثبات دعوی را دربرمی گیرد. البته، در برخی از زمینه ها دفاع در قبال دلایل اثبات دعوا ماهیت مختلطی پیدا می کند؛ زیرا اعمال قاعده شکلی، موجب خلع سلاح شدن مدعی و ناتوانی وی از اثبات دعوا خواهد شد و به صدور رای ماهوی بر بی حقی وی منجر می شود. در قوانین دادرسی ایران از آنجایی که قانونگذار نگرش دعوا محور داشته، به تبیین و تعریف شیوه های دفاع و قلمرو آن، اصول و احکام آن نپرداخته است.

عناصر اعتبار دلیل یا عناصر اصلی تشکیل دهنده یک سند معتبر

منظور از عناصر اعتبار دلیل، عناصری است که در نظام ادله، کارکردهای قانونی مورد نیاز برای اعتبار دلیل را تأمین می کنند و برای اعتبار هر سندی - عادی یا الکترونیکی - لازمند. پس از ورود دلیل الکترونیکی به نظام ادله اثبات دعوا، باوجود تفاوت دلیل الکترونیکی با دلیل سنتی، قانونگذار، آن را به عنوان یک دلیل معتبر پذیرفته و معادل دلیل سنتی دانست. به همین جهت، لازم است ابتدا این موضوع بررسی شود که عناصر اعتبار دلیل کدامند و آیا این عناصر در دلیل الکترونیکی وجود دارند. علت آنکه بین تمامی دلایل، عناصر اعتبار سند را بررسی می نماییم آن است که سند، تنها قالبی است که سایر قالب های ادله مانند اقرار و شهادت را در خود جای می دهد. مثلاً اگر شهادتنامه ای به صورت الکترونیکی تنظیم شود، اگر چه اعتبار شهادت را داراست اما چون به صورت مکتوب ارائه می شود برای آنکه به عنوان یک دلیل معتبر شمرده شود، باید شرایط یک سند معتبر را دارا باشد (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۶۵).

نوشته امضاء و اصالت سه عنصر اصلی تشکیل دهنده یک سند معتبر است که هر کدام از این عناصر، کارکردهای خاصی را تأمین می کند. مکتوب بودن سند تجاری متضمن ایجاد ثبات، منحصر به فرد بودن و قابلیت ارجاع به آن سند است. امضاء سند منجر به انتساب سند به صادر کننده و اعتبار آن می شود و اصالت سند، مانع جعل و استفاده غیر قانونی از سند تجاری خواهد شد.

در ادله الکترونیکی، این عناصر به معنای سنتی آن وجود ندارند اما این امر، از اعتبار دلایل الکترونیکی نمی کاهد، زیرا در عالم حقوق، شکل و قالب مدنظر نیست بلکه کارکرد مورد نظر است و اگر در موردی بر رعایت شکل و تشریفات خاص تأکید می شود، به منظور حصول به اهدافی است که از این طریق تأمین می شود و در صورتی که بتوان کارکرد این عناصر را از طرق دیگری تأمین کرد و معادل های دیگری برای آن جستجو کرد باز هم دلیل الکترونیکی معتبر است.

اصالت

یکی دیگر از عناصر اعتبار سند، اصالت آن است که در ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی بر آن تأکید شده است. اهمیت ارائه اصل سند از آن روست که اصل سند، معیار مطمئنی برای سنجش تمامیت سند است. در این مبحث، ضمن تعریف اصالت سند و کارکرد آن، به نحوه تأمین این کارکرد در اسناد الکترونیکی می پردازیم (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۸۲).

تعریف اصالت و کارکرد آن

اصل سند، نسخه‌ای از سند است که امضاء یا مهر و اثر انگشت صادر کننده روی آن وجود دارد. برخی سندی را اصل می دانند که اطلاعات برای اولین بار در آن ذخیره شده است و یا سندی که به صورت دستی تنظیم شده و اسناد دیگر از روی آن نوشته می شوند. اگر هنگام تنظیم سند، چند نسخه نوشته شده و همگی امضاء شوند همگی اصل محسوب می شوند و اگر با ماشین تحریر یا رایانه چند نسخه از متن سند تهیه شود هر کدام که دارای امضاء باشد اصل سند محسوب می شود و دیگر نسخ، اگر اختلافی با اصل سند نداشته باشند رو نوشت محسوب می شوند. رونوشت، اصطلاحی است که غالباً در برابر اصل به کار می رود و سندی است که از روی سند دیگر نوشته می شود (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۸۳).

هدف از ارائه اصل سند، اثبات تمامیت سند است. رونوشت سند، به راحتی و بدون نمود فیزیکی، می تواند جعل شود. رونوشت سند، تا زمانی اعتبار دارد که طرف دعوا نسبت به آن ایراد ننماید اما در صورت ایراد طرف مقابل، باید اصل سند به دادگاه ارائه شود تا تمامیت آن، مورد بررسی کارشناس قرار گیرد. کارشناس، از طریق دقت در دستخط، کاغذ، جوهر و امضای سند می تواند تمامیت سند یا جعلی بودن آن را احراز نماید و در صورتی که اختلافی بین اصل و رونوشت سند وجود داشته باشد، اصل سند، معتبر خواهد بود. در صورتی که نسبت به سندی اظهار انکار یا تردید شود و اصل سند به دادگاه ارائه نشود، دعوا بدون دلیل باقی می ماند و با توجه به این کارکرد، در صورتی که تمامیت سند از طریق دیگری غیر از ارائه اصل سند احراز شود، آن سند در حکم اصل خواهد بود. ماده ۷۴ قانون ثبت مقرر می دارد: «مواردی که مطابقت آن با ثبت دفتر تصدیق شده است، به منزله اصل سند خواهد بود مگر در صورت اثبات عدم مطابقت سواد با ثبت دفتر». بنابراین، ابراز کننده رونوشت سند رسمی که مطابقت آن با اصل سند تأیید شده است، ملزوم به ارائه اصل سند نمی باشد (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۸۳).

در اسناد الکترونیکی، تحقق مفهوم اصل به مفهوم سنتی آن، یعنی به عنوان واسطی که اطلاعات برای اولین بار در آن ذخیره شده اند ممکن نیست زیرا هنگامی که اطلاعات برای نخستین بار وارد یک رایانه می شوند نخست در حافظه اصلی سیستم ذخیره شده، سپس به حافظه رایانه به صفحه نمایش منتقل شده و قابل رؤیت می شوند؛ به محض آنکه سیستم کامپیوتری خاموش می شود، «اصل» از بین می رود و آنچه در حافظه باقی می ماند، در واقع نسخه‌ای (کپی) از آن چیزی است که برای نخستین بار فقط در حافظه موقت وجود داشته است. نه این نسخه و نه نسخه های بعدی هیچکدام اصیل نیستند و از نظر شکلی همگی کپی محسوب می شوند اما می توان کارکرد اصل سند یعنی تمامیت را به شیوه دیگری تأمین کرد، در حقیقت اثبات تمامیت اطلاعات شرط لزوم ارائه اصل سند را برآورده می کند و این امر موجب می شود که عنصر اصالت در اسناد الکترونیکی به معنای موجودیت کامل و بدون تغییر داده پیام تغییر یابد (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۸۴).

تأمین عنصر اصالت در اسناد الکترونیکی

همانگونه که بیان کردیم در اسناد الکترونیکی، تحقق مفهوم اصل سند، ممکن نیست، اما سند الکترونیکی می تواند با شرایطی کارکرد های اصالت سند را تأمین کند، قانون تجارت الکترونیک، این شرایط را تعیین و سندی را که دارای شرایط تعیین شده باشد اصل سند می داند. ماده ۸ این قانون مقرر کرده است: «هر گاه قانون لازم بداند که اطلاعات به صورت اصل، ارائه یا نگهداری شود، این امر با نگهداری و ارائه اطلاعات به صورت داده پیام نیز در صورت وجود شرایط زیر امکان پذیر می باشد:

الف- اطلاعات مورد نظر قابل دسترسی بوده و امکان استفاده در صورت رجوع بعدی فراهم باشد.
ب- داده پیام به همان قالبی (فرمتی) که تولید، ارسال و یا دریافت شده و یا به قالبی که دقیقاً نمایشگر اطلاعاتی باشد که تولید، ارسال و یا دریافت شده، نگهداری شود.

ج- اطلاعاتی که مشخص کننده مبدأ، مقصد، زمان ارسال و دریافت داده پیام می باشند نیز در صورت وجود نگهداری شوند.
د- شرایط دیگری که هر نهاد، سازمان، دستگاه دولتی و یا وزارتخانه در خصوص نگهداری داده پیام مرتبط به حوزه مسئولیت خود مقرر نموده، فراهم شده باشد».

این ماده، مشابه ماده ۱۰ قانون نمونه آنستیرال است که در مورد نگهداری اسناد است.

۱- منظور از «قابلیت دسترسی» مندرج در بند الف، آن است که اطلاعات مورد نظر برای انسانها و نیز سیستم‌های رایانه‌ای قابل استفاده مجدد باشند، بنابراین، در صورتی که نرم‌افزار مورد نیاز برای بازخوانی سند موجود نباشد، سند، قابل دسترسی نیست.

۲- ملاک مندرج در بند ب، یعنی اینکه قالب داده پیام در چه صورت دقیقاً نمایشگر اطلاعاتی باشد که تولید، ارسال و ذخیره شده است، مبهم است. اسناد الکترونیکی هنگام نگهداری، گاه فشرده شده و گاه جهت هماهنگی با تغییرات بازارهای نرم‌افزاری به قالب های جدیدی تبدیل می شوند تا منطبق با نرم‌افزارهای روز شده و قابل خواندن باشند، هنگام تغییر قالب سند، شیوه های امنیتی مانند امضای دیجیتالی قابلیت خود را در حفظ تمامیت سند از دست می دهند، زیرا امضای دیجیتالی فقط منضم به سند اولیه است و هنگام انتقال سند به قالب جدید منتقل نمی شود، به همین جهت، تغییر قالب سند در اصالت سند تردید به وجود می آورد. از طرفی غالب سیستم‌های الکترونیکی به صورت خودکار، به هنگام انتقال داده پیام، اطلاعاتی را به آغاز یا پایان داده پیام می افزایند، این امور، اصالت سند را مخدوش نمی کند و قانونگذار در چنین مواردی، در صورتی که قالب سند دقیقاً نشانگر اطلاعات تولید، ارسال، دریافت یا ذخیره شده باشد آن سند را اصل می داند اما ملاک این امر را تعیین نکرده است و بنابراین اثبات تمامیت اطلاعات با مدعی است که دادرسی باید با ارجاع امر به کارشناس و عنایت به اظهارات وی، تمامیت اطلاعات را ارزیابی نماید (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۸۴).

۳- بند ج این ماده، نگهداری اطلاعاتی را که برای شناسایی داده پیام ضروری است لازم می داند. این الزام، استاندارد را ایجاد می کند که حتی بالاتر از اسناد کاغذی اصیل است (یونیسنترال، ۱۹۹۶). بیشتر سیستم‌های پست الکترونیکی، متنی را که توسط کاربر ارسال شده است، و نیز اطلاعاتی درباره انتقال و دریافت آن، نام فرستنده، دریافت کننده، تاریخ و ساعت پیام های ارسال شده و دریافت شده و تأییدی مبنی بر اینکه نامه دریافت شده است به صورت خودکار ذخیره می کنند. لازم به ذکر است که گاهی هنگام ارسال داده پیام، یکسری اطلاعات تکمیلی مثلاً پروتکل ارتباطات نیز ارسال و به وسیله مخاطب دریافت می شوند. نگهداری این نوع اطلاعات که صرفاً به دلیل انجام عملیات ارسال توسط سیستم‌های رایانه‌ای به وجود آمده اند، ضروری نیست (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۸۵).

۴- بند د این ماده مقرر می دارد در مواردی که برخی وزارتخانه ها و سازمان ها برای نمونه این مقررات، شرایطی است که در ماده ۱۱۳ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی برای نگهداری اسناد و اوراق قضایی مقرر شده است.
در این ماده آمده است: به قوه قضاییه اجازه داده می شود:

الف- بر اساس آیین نامه ای که توسط وزیر دادگستری با همکاری دادستانی کل کشور و سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تأیید رئیس قوه قضاییه می رسد، اسناد و اوراق پرونده های قضایی که نگهداری سوابق آنها ضروری می باشد را با استفاده از فن آوری های اطلاعاتی روز به اسناد الکترونیکی تبدیل و سپس نسبت به امحای آنها اقدام نماید مشروط بر آنکه حداقل سی سال از مدت بایگانی قطعی آنها گذشته باشد، اطلاعات و اسناد تبدیلی در کلیه مراجع قضایی سندیت داشته و قابل استناد خواهد بود. اصل پرونده های مهم و ملی که جنبه سندیت تاریخی دارد، توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، حفظ و نگهداری خواهد شد».

بنابراین، قوه قضاییه برای نگهداری اسناد الکترونیکی، علاوه بر رعایت شرایط ماده ۸ قانون تجارت الکترونیک، باید شرایط خاص مقرر در این ماده از جمله گذشت مدت سی سال از بایگانی قطعی پرونده و نیز شرایط آیین نامه مذکور را رعایت کند که آیین نامه مذکور تاکنون به تصویب نرسیده است.

نکته دیگر آنکه همانگونه که بیان کردیم اسنادی که توسط رایانه ایجاد می شوند، هیچکدام اصل به مفهوم سنتی آن یعنی سندی که اسناد دیگر از روی آن نوشته می شود نیستند بلکه همگی رو نوشت هایی هستند که هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند این امر موجب بروز مشکلات دیگری در مورد اسناد تجاری می شود، در اسناد تجاری که در وجه حامل صادر می شوند و دارنده هر سند در وجه حامل، مالک آن محسوب می شود حدود سند در دست شخص، دلالت بر مدیون بودن صادر کننده دارد به همین جهت، المثنی یا کپی سند نباید وجود داشته باشد و فقط در مواردی که سند مفقود می شود قانونگذار با شرایطی دشوار، صدور نسخه دیگری از سند را ممکن می داند (مواد ۳۲۰ تا ۳۳۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱) و با توجه به آنکه در اسناد الکترونیکی، نسخه تولید شده هیچگاه منحصر به فرد نیست، قانونگذار، برای تأمین این هدف، باید تمهیداتی ببیند (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۸۶ و ۸۷).

۳-۴- قابلیت پذیرش و ارزش اثباتی دلیل الکترونیکی

قابلیت پذیرش و حدود ارزش اثباتی دلایل الکترونیکی در زمره مهمترین مسائل حقوق ارتباطات الکترونیکی است. این موضوع را از دیدگاه قواعد عمومی حاکم بر ادله اثبات دعوا و قوانین تجارت الکترونیکی بررسی کرده و به این نتیجه می رسیم که پذیرش مستندات الکترونیکی، به عنوان دلیل منوط به تأمین شرایط شکلی و ماهوی هر دلیل در محیط الکترونیکی است لذا اگر نوشته و امضاء الکترونیکی معادل نوشته و امضاء دستی باشد داده پیام میتواند سند محسوب شود، اما هر گاه تحقق یا احراز شرایط مقرر در قانون ملازمه یا مداخله فیزیکی ثالث یا اقامه دلیل در محضر دادگاه داشته باشد، طبع ارتباطات الکترونیکی با شکل گیری آن دلیل سازگار نیست علاوه بر این حدود ارزش اثباتی دلایل الکترونیکی قاعده ای خاص و متفاوت از قواعد عمومی حاکم بر دلایل ندارد چنانچه دلیل الکترونیکی دارای شرایط قانونی هر یک از ادله اثبات دعوا باشد از ارزش اثباتی همان دلیل برخوردار خواهد بود. در این مبحث، به بررسی اعتبار و ارزش اثباتی دلیل الکترونیکی در نظام ادله اثبات دعوا می پردازیم (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۸۷).

۳-۴-۱- بررسی برخی از قواعد عمومی ادله اثبات دعوا

در این مبحث، برخی از قواعد عمومی ادله اثبات دعوا را که اجرای آنها در دلیل الکترونیکی مورد شبهه است به اختصار مورد بررسی قرار می دهیم. هدف این مبحث، مرور قواعدی است که شناخت آنها در تشخیص ارزش اثباتی این دلایل مؤثر است (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۸۷).

۳-۴-۱-۱- نوع نظام ارزیابی دلیل در حقوق ایران

منظور از ارزیابی دلیل، آن است که دلیلی که مستند دعوا قرار گرفته است، چه ارزشی در اثبات دعوا دارد در این مورد، دو رویکرد در نظام های حقوقی وجود دارد.

۱- سیستم اقتاعی (اخلاقی): در این سیستم، دلایل در قانون شمارش نشده اند بلکه هر امری که سبب علم دادرس به واقعیت شود، دلیل محسوب می شود و هیچگونه سلسله مراتب و درجه بندی و ارزش گذاری و تقدم و تأخیری در ادله اثبات دعوا وجود ندارد، هیچ دلیلی به دادرس تحمیل نمی شود و او مختار است مستقلاً دلایل را ارزیابی نموده و بران اساس، اتخاذ تصمیم کند و ارزش اثباتی هیچ دلیلی از پیش تعیین نشده است.

۲- سیستم قانونی: در این سیستم، قانون، دلایل را به صورت سلسله مراتبی دسته بندی کرده و ارزش اثباتی هر یک از آنها را تعیین کرده است. این ارزش اثباتی به دادرس تحمیل می شود هر چند وجدان او اقتاع نشده باشد. یعنی قاضی از یک سو مکلف است تنها دلایلی را که در قانون شمارش شده اند، بپذیرد و از سوی دیگر باید هر یک از ادله مزبور را با توجه به ارزش اثباتی آن که در قانون تصریح شده است، مورد استناد قرار دهد؛ مثلاً دادرس نمی تواند برای اثبات مالکیت ملکی که سابقه ثبت دارد به سند عادی استناد کند زیرا به موجب ماده ۴۸ قانون ثبت، سند عادی در اثبات ادعای مزبور، ارزش اثباتی ندارد.

در حال حاضر، هر دو نظام ادله قانونی و اخلاقی، به سوی یکدیگر گام هایی برداشته و به هم نزدیکتر شده اند و نمی توان نظامی را مطلقاً قانونی یا اقتاعی دانست اما نظام ارزیابی دلایل در حقوق ایران، بیشتر به نظام قانونی شبیه است، زیرا در قانون ایران، ادله اثبات دعوا شمارش شده اند، ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی، ادله اثبات دعوا را منحصر در پنج نوع اقرار، اسناد کتبی، شهادت،

امارت و سوگند دانسته است، قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، معاینه محل و کارشناسی را نیز در زمره دلایل آورده است، بنابراین برای آنکه امری به عنوان دلیل در دعوا پذیرفته شود، باید مشمول عنوان یکی از دلایل مذکور باشد؛ همچنین، ارزش اثباتی غالب دلایل از جمله اقرار، اسناد و امارات قانونی، توسط قانونگذار از پیش تعیین شده است از جمله ماده ۱۲۹۰ قانون مدنی درباره اسناد رسمی، مواد ۱۲۹۱ قانون مدنی درباره اسناد عادی، ماده ۱۲۹۷ درباره دفاتر تجاری، ماده ۱۳۰۱ در مورد امضاء روی نوشته یا سند، ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی و ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی در مورد اقرار، مواد ۱۲۵۹ قانون مدنی، و مواد ۲۷۲ به بعد قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی درباره قسم، ارزش اثباتی دلایل را تعیین کرده اند، در این موارد، دادرسی اختیار ارزیابی دلایل را ندارد، مثلاً دادرسی نمی تواند مفاد سند رسمی را قانع کننده نشمرد یا برخلاف اقرار رأی دهد یا برخلاف حکم ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی، در مقابل سند رسمی، شهادت را معتبر بداند اما شهادت و امارات قضایی، تابع سیستم اقناعی است، و ارزش اثباتی آن بسته به میزان اثری است که در اقناع دادرسی می کند (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۵۸-۵۷).

در نظام ادله قانونی، اگر چه محدود کردن دادرسی در استناد به دلایل و ارزیابی آنها، می تواند موجب شود که دادرسی برخلاف وجدان خود به امری برخلاف حقیقت حکم دهد اما این امر، امنیت روابط حقوقی اشخاص و عادلانه بودن دادرسی را تأمین می کند زیرا موجب می شود تا طرفین در زمان انعقاد قرارداد، ادله ای را که در قانون پیش بینی شده، با لحاظ ارزش اثباتی آن، تأمین نمایند (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۸۸ و ۸۹).

۴-۱-۲- اعتبار قرارداد خصوصی خلاف مقررات ادله اثبات دعوا

موضوع این مبحث، آن است که آیا توافقی که طرفین برخلاف قوانین موجود در مورد ارزش اثباتی دلیل منعقد کرده اند معتبر است یا خیر؛ به عنوان مثال، آیا طرفین می توانند برای سندی با امضای الکترونیکی ساده، ارزشی معادل اسناد رسمی قائل شوند یا سندی را که از شرایط قانونی اصل سند برخوردار نیست، اصل محسوب کنند (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۸۹).

در حقوق ایران، عبارات مواد قانونی در مورد ارزش اثباتی و نحوه اداره دلیل در دادگاه، نمایانگر آن است که اصل بر مرتبط بودن قواعد مربوط به ادله اثبات دعوا با نظم عمومی و آمره بودن آنهاست (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۲۸-۲۷). آمره بودن ادله اثبات دعوا، به خوبی از قانون شهادت و امارت مصوب ۱۳۰۸ که بعد ها مفاد آن در جلد سوم قانون مدنی، جای گرفت بر می آید، از طرفی حق گزاری خدمتی عمومی است که دولت به منظور تأمین صلح اجتماعی و اجرای عدالت عهده دار آن است، نظم حاکم بر این خدمت نیز توسط قانون پیش بینی میشود، به همین جهت قواعد مربوط به ادله مرتبط با نظم عمومی است (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۹۰).

به این ترتیب، طرفین امکان دخل و تصرف در دلایل قانونی و ارزش اثباتی آنها را ندارند؛ یعنی، نمی توانند به موجب قرار داد خصوصی، ارزش اثباتی برخی از ادله را نفی کنند یا بیش از ارزشی که قانون برای یک دلیل قائل شده است، به آن ارزش بدهند مثلاً نمی توانند مقرر کنند در دعوای احتمالی آینده، دعوا با شهادت حداقل پنج شاهد اثبات شود یا سند، واجد ارزش اثباتی نباشد یا شهودی که به دادگاه معرفی می شوند واجد شرایط خاص باشند اما می توانند مصادیق اماراتی را که موضوع آنها واجد وصف نظم عمومی نباشد با اختیار خود، تعیین کنند و چنین توافقی علی الاصول معتبر است؛ محاکم ایران، سالها ست که چنین توافقاتی را می پذیرند و آن را مستند احکام خود، قرار می دهند؛ مثلاً ارقام ثبت شده بر روی شمارشگرهای آب، برق و گاز، به استناد قرارداد الحاقی اشتراک بین سازمان و مصرف کننده، اماره و منشأ محاسبه مبلغ قابل پرداخت توسط مشتری، تلقی می شود و به عنوان مستند در دادگاه مورد استفاده قرار می گیرد (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۹۰).

ماده ۵ قانون تجارت الکترونیک که به طرفین، اختیار توافق خلاف مصادیق امارات قانونی را داده است مؤید این نظر است. در این ماده آمده است: «هر گونه تغییر در تولید، ارسال، دریافت، ذخیره و یا پردازش داده پیام با توافق و قرارداد خاص طرفین معتبر است». با وجود ابهام این ماده، می توان با عنایت به ماده ۵ پیش نویس قانون تجارت الکترونیک، معنای آن را به روشنی برداشت کرد. پیش نویس قانون تجارت الکترونیک مقرر می داشت: «قراردادهای خصوصی راجع به تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش داده موضوع فصل یازدهم الی چهاردهم نافذ است» که موضوع این فصول، قواعد مربوط به ارجاع، فرض

انتساب داده پیام به اصل ساز، تصدیق دریافت، زمان و مکان ارسال و دریافت داده پیام است بنابراین، طرفین می‌توانند برخلاف موارد مذکور که همگی از مصادیق امارات هستند توافق کنند. با توجه به آنکه موضوعاتی که توافق خلاف آنها ممکن است، در قانون احصا شده‌اند؛ می‌توان از مفهوم مخالف ماده مذکور، برداشت کرد که چنین قراردادی، در سایر موارد نافذ نیست. (عبداللهی، ۱۳۹۱ ص ۹۱)

این مقررات، منطبق بر حکم ماده ۴ قانون نمونه تجارت الکترونیک آنستیرال است که قرار داد خصوصی طرفین را در صورتی که راجع به جعل مصادیق امارات در موارد مذکور باشد، نافذ تلقی کرده است در صورتی که این توافق، مخالف با قواعد مقرر در مورد برابری داده پیام و نوشته، برابری امضای الکترونیکی و امضای سنتی اصالت در اسناد الکترونیکی، قابلیت پذیرش و ارزش اثباتی داده پیام و نحوه نگهداری داده پیام باشد، آن را غیر نافذ می‌داند (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۹۱)

۴-۳-۱- امکان اجبار دارنده سند به ارائه آن در دادگاه

اسناد الکترونیکی معمولاً در مکان‌های مختلفی ذخیره می‌شوند که این مکانها، لزوماً رایانه صادر کننده سند نیست، مثلاً وقتی یک پیام پستی الکترونیکی صادر می‌شود نخست از سروری که ارسال کننده به آن متصل است ارسال می‌شود، سپس ا زتأمین کننده سرویس اینترنتی ارسال کننده عبور می‌کند؛ آن گاه از بین هزاران رایانه دیگر عبور می‌کند تا به تأمین کننده سرویس اینترنتی دریافت کننده برسد، آن گاه از آنجا به سرور دریافت کننده و نهایتاً به رایانه دریافت کننده می‌رسد و در هر کدام از این واسطه‌ها، یک نسخه از پیام باقی می‌ماند که می‌توان آنها را بازیابی کرد. بنابراین ممکن است سندی که دلیل ادعای شخص می‌باشد در اختیار او نباشد، بلکه در رایانه طرف مقابل یا شخص دیگری ذخیره شده باشد در این صورت آیا می‌توان کسی را که سند نزد اوست ملزم به ارائه آن کرد (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۹۱).

فروض مذکور را در زیر بررسی می‌نماییم.

۱- فرضی که سند نزد طرف دعوا باشد:

در صورتی که قرینه‌ای بر وجود سند نزد طرف مقابل موجود باشد و او از ابراز سند خودداری کند دادگاه می‌تواند آن را از قرائن مثبت بداند. این فرض، در حالت زیر قابل بررسی است:

الف- طرف دعوا، سندی را مطالبه می‌نماید که توسط طرف مقابل به دادگاه ابراز شده است: این فرض در ماده ۲۰۷ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی پیش بینی شده است، این ماده مقرر می‌دارد: «سندی که در دادگاه ابراز می‌شود ممکن است به نفع طرف مقابل دلیل باشد در این صورت هر گاه طرف مقابل به آن استناد کند ابراز کننده سند حق ندارد آن را پس بگیرد و یا از دادگاه در خواست نماید که سند او را نادیده بگیرد» (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۹۲).

ب- طرف دعوا سندی را مطالبه می‌کند که طرف دیگر به طور غیر مستقیم به آن استناد کرده است: به موجب ماده ۲۰۸ این قانون در صورتی که یکی از طرفین سندی ابراز کند که در آن به سند دیگری رجوع شده و مربوط به دادرسی باشد به درخواست طرف، باید آن سند ابراز شود، اگر چه قانونگذار، ضمانت اجرای امتناع از ابراز سند را معین نکرده است اما با توجه به وحدت ملاک ماده ۲۰۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، این امتناع می‌تواند قرینه‌ای بر صحت ادعای طرف مقابل باشد. (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۹۲).

ج- طرف مقابل به وجود سند نزد خود اعتراف کند: این فرض در ماده ۲۰۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی پیش بینی شده است. در این ماده آمده است: «هر گاه سند معینی که مدرک ادعا یا اظهار یکی از طرفین است، نزد طرف دیگر باشد، به درخواست طرف باید آن سند ابراز شود. هر گاه طرف مقابل، به وجود سند نزد خود اعتراف کند ولی از ابراز آن امتناع نماید، دادگاه می‌تواند آن را از جمله قرائن مثبت بداند» (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۹۲).

د- در صورتی که سند، مطالبه شده، دفتر بازرگانی طرف دعوا باشد: ماده ۲۱۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، در این مورد مقرر می‌دارد: «چنانچه یکی از طرفین، به دفتر بازرگانی طرف دیگر استناد کند، دفاتر نامبرده باید در دادگاه ابراز شود، در صورتی که ابراز دفاتر در دادگاه ممکن نباشد، دادگاه شخصی را مأمور می‌نماید که با حضور طرفین، دفاتر را معاینه و آنچه را که لازم است خارج نویسی نماید. هیچ بازرگانی نمی‌تواند به عذر نداشتن دفتر از ابراز و یا ارائه دفاتر

خود امتناع کند، مگر اینکه ثابت نماید که دفتر او تلف شده یا دسترسی به آن ندارد. هر گاه بازرگانی که به دفاتر او استناد شده است، از ابراز آن خودداری نماید و تلف یا عدم دسترسی به آن را هم نتواند ثابت کند، دادگاه می‌تواند آن را از قرائن مثبت اظهار طرف قرار دهد» (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۹۳).

ه- در صورتی که طرف دعوا از ادارات دولتی یا شهرداری ها یا بانکها یا مؤسساتی که با سرمایه دولت تأسیس و اداره می‌شوند باشد و سند در آن اداره موجود باشد: در این فرض، به موجب ماده ۲۱۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، اگر دادگاه سند را مؤثر در موضوع تشخیص دهد، موعدی تعیین می‌نماید تا اداره یا سازمان مربوط در آن موعد، رونوشت سند یا اطلاع لازم را ارسال نماید و مقام مسئول اداره یا سازمان، مکلف است فوراً دستور دادگاه را انجام دهد و در صورتی که امتناع نماید، به انفصال موقت از خدمات دولتی از شش ماه تا یک سال، محکوم خواهد شد (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۹۳).

همانگونه که ملاحظه می‌شود، در هیچ موردی نمی‌توان طرف مقابل دعوا را که سند مورد ادعا نزد اوست، ملزم به ارائه سند کرد و خودداری وی از ارائه سند، ضمانت اجرایی ندارد جز آنکه قرینه ای بر اثبات ادعای طرف مقابل تلقی شود، مگر اینکه طرف دعوا از ادارات دولتی یا شهرداری ها یا بانکها یا مؤسساتی که با سرمایه دولت، تأسیس و اداره می‌شوند باشد که در این صورت می‌توان آنان را اجبار به ارائه اسناد کرد (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۹۳).

۲- فرضی که سند نزد شخص ثالثی موجود باشد.

در صورتی که سند نزد شخص ثالثی موجود باشد، دادگاه نمی‌تواند کسانی را که در دادرسی شرکت ندارند ملزم به ارائه اصل سند کند مگر اینکه سند مذکور، نزد ثالث به امانت سپرده شده باشد که در این صورت می‌توان به عنوان مطالبه مال امانی، وی را تحت تعقیب قرار داد اما در صورتی که شخص ثالثی که سند نزد او موجود می‌باشد، از ادارات دولتی یا شهرداری ها یا بانکها یا مؤسساتی که با سرمایه دولت تأسیس و اداره می‌شوند باشد، می‌توان به موجب مقررات ماده ۲۱۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، سند را مطالبه کرد. همچنین، اگر اسناد مورد استناد، اوراق پرونده کیفری یا مدنی دیگری باشد، در مورد پرونده کیفری، مرجع مربوط مکلف است در پاسخ به دستور دادگاه به موجب ماده ۲۱۴ قانون مدنی پرونده در خواستی را ارسال نماید و در خصوص پرونده مدنی، به موجب ماده ۱۵ قانون مذکور، رونوشت موارد استنادی یا در موارد لزوم، اصل پرونده مورد استناد را ارسال نماید (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۹۴).

به این ترتیب در صورتی که دلیل الکترونیکی در رایانه طرف قابل و یا شخص ثالثی ذخیره شده باشد، نمی‌توان آنان را ملزم به ارائه سند کرد و امتناع از ارائه سند در موارد مذکور، صرفاً می‌تواند قرینه ای بر صحت ادعای خواهان باشد فقط در صورتی که سند نزد ادارات دولتی یا شهرداری ها یا بانکها یا مؤسساتی که با سرمایه دولت تأسیس و اداره می‌شوند باشد، می‌توان به موجب مقررات ماده ۲۱۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، سند را مطالبه کرد. بنابراین مطالبی که سابقاً در مورد بازیابی دلیل بیان کردیم، فقط در صورت رضایت دارنده سند به ارائه آن، اعمال می‌شوند و در فرضی که شخص رضایت به ارائه سند نداشته باشد، قابل اعمال نیستند (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۹۴).

۴-۳-۲- قابل استناد بودن دلیل الکترونیکی

پس از ورود دلیل الکترونیکی به عنوان نوع جدیدی، از دلایل به نظام ادله اثبات دعوا، قانونگذاران کشورهای مختلف با راهکارهای متفاوتی، سعی کردند جایگاه این نوع دلیل را در قالب های سنتی ادله تعیین کنند. برخی از کشورها، با اصلاح قوانین موجود، این نوع دلیل را به عنوان نوع جدیدی از دلایل به قالب های سنتی ادله اصلاح نمود.

برخی دیگر از قوانین، به جای استفاده از راهکار اصلاح قوانین، از روش معادل سازی یا همسنگ سازی استفاده نموده اند به این طریق که نخست اهداف و کارکردهای عناصر سنتی ادله تعیین و سپس شیوه تأمین این کارکردها در دلایل الکترونیکی را معرفی نموده اند، استفاده از راهکار معادل سازی موجب می‌شود قانونگذار از اصلاح قوانین موجود در مورد عناصر مکتوب بودن، امضاء و اصالت بی‌نیاز شود که قانون ایران و نیز قانون نمونه آنسیترال از این راهکار بهره برده اند. مواد ۷۶۰ قانون تجارت

الکترونیک، داده پیام و امضای الکترونیکی را معادل نوشته و امضای سنتی محسوب کرده است و ماده ۱۲ این قانون، دلیل الکترونیکی را به عنوان ماهیت جدیدی از ادله قابل پذیرش دانسته و مقرر می‌دارد:

«اسناد و ادله اثبات دعوا، ممکن است به صورت داده پیام بوده و در هیچ محکمه یا اداره دولتی نمی‌توان بر اساس قواعد ادله موجود، ارزش اثباتی «داده پیام» را صرفاً به دلیل شکل و قالب آن رد کرد» (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۹۵).

در نظام حقوقی ایران دلایل، منحصر در هشت نوع اقرار، اسناد کتبی، شهادت، امارات، قسم، تحقیق محلی و معاینه محل هستند و برای پذیرش دلیل در دادگاه، نخست باید دلیل ارائه شده در یکی از قالب‌های مذکور قرار گیرد تا از ارزش اثباتی آن نوع دلیل برخوردار شود اما قانون تجارت الکترونیک، بدون اصلاح قوانین موجود در این ماده، ادله الکترونیکی را به عنوان ماهیت جدیدی از دلایل، معادل دلایل سنتی می‌داند که می‌تواند به شکل هر کدام از قالب‌های سنتی دلیل باشد و از ارزش اثباتی آن قالب، برخوردار شود.

از نظر فنی، ابزارهای الکترونیکی می‌توانند برای ثبت اقرار، شهادت و یا سند مورد استفاده قرار گیرند. این قابلیت، توسط سیستم‌های چند رسانه‌ای^۱ که مجموعه‌ای از صدا، تصویر و متن را پردازش می‌کنند فراهم می‌شود. امروزه دستگاه‌هایی وجود دارد که می‌توانند صدای شخص و فرکانس آن، طول موج و... را اندازه‌گیری کنند و آن را به صورت علائم دیجیتالی منحصر به فردی در آورند که از صدای سایر اشخاص قابل تشخیص است (ساروکایا، ۲۰۰۳). اما به هر حال، دلیل الکترونیکی حتی اگر برای ثبت اقرار یا شهادت به کار رود، در صورت تأمین کارکردهای «نوشته» نهایتاً در قالب سند قرار می‌گیرد و نوشته، تنها قالبی است که می‌تواند تمامی موارد مذکور را شامل شود (قاجار، ۱۳۸۰، ص ۲۵). که این امر ناشی از ویژگی داده پیام است. همانگونه که سابقاً بیان کردیم همه دلایل الکترونیکی به صورت داده پیام هستند، داده پیام، امری است که هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم را دربر می‌گیرد و با توجه به آنکه «نماد»، عنوانی عام است، تمام اطلاعات ثبت شده توسط ابزارهای الکترونیکی - شفاهی یا کتبی - را شامل می‌شود و همانطور که دریافتیم داده پیام از نظر قانونی جایگزین نوشته است و قانون، هر نوشته‌ای را که برای اثبات دعوا مورد استناد قرار می‌گیرد، سند می‌داند. بنابراین دلیل الکترونیکی در نظام ادله سنتی اثبات دعوا، از اعتبار سند برخوردار است مگر آنکه این سند برای اظهار شهادت به کار رود که در این صورت به موجب ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی (ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی) از اعتبار شهادت برخوردار خواهد بود یعنی تشخیص ارزش آن به موجب ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی به اختیار دادگاه است.

همچنین در صورتی که اقرار در قالب الکترونیکی ذخیره شده و به دادگاه ارائه شود، از آنجا که داده پیام در حکم نوشته محسوب می‌شود، اقرار الکترونیکی نیز همانند اقرار نامه مکتوب، از ارزش اثباتی سند برخوردار است (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۲۷۷). ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیکی، نیز این امر را تأیید می‌کند؛ به موجب این ماده: «اسناد و ادله اثبات، ممکن است به صورت داده پیام باشد...» ذکر کلمه «اسناد»، نشان می‌دهد که قانونگذار، داده پیام را معادل سند می‌داند (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۹۶ و ۹۷).

اما ابهام دیگری که در این خصوص وجود دارد این است که با توجه به اینکه اقرار و شهادت به صورت شفاهی اظهار می‌شوند آیا می‌توان علاوه بر تلقی آنها به عنوان اقرار نامه و شهادتنامه به عنوان اقرار و شهادت شفاهی به آنها اعتبار داد؟

اگر چه می‌توان صدا و تصویر اقرار با شهادت اشخاص را با ابزارهای الکترونیکی ضبط کرده و در دادگاه به سمع و بصر دادرس رساند اما نمی‌توان اظهارتی را که به واسطه ابزارهای الکترونیکی در دادگاه ارائه می‌شوند، در حکم اقرار و شهادت شفاهی دانست زیرا واژه «شفاهی» منسوب به «شفاه» است که به معنای «لب‌ها» می‌باشد (شمس، ۱۳۸۵). یعنی اقرار و شهادت شفاهی باید مستقیماً و با زبان اظهار کننده در دادگاه مطرح شود، چنین اقرار و شهادتی طبق قواعد عمومی ادله، اقرار و شهادت شفاهی خارج از دادگاه تلقی می‌شود که تنها با شهادت اثبات می‌شود (شمس، ۱۳۸۶). فقط در یک فرض، داده پیام می‌تواند از ارزش اثباتی اقرار برخوردار شود و آن در فرضی است که یکی از طرفین، یک لایحه الکترونیکی به دادگاه ارائه دهد

1 Multimedia system

2 Sarukkaia

که متضمن اقراری علیه وی باشد در این حالت، داده پیام مذکور با عنایت به ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، نوعی اقرار کتبی در جلسه دادگاه خواهد بود. (عبداللهی، ۱۳۹۱ ص ۹۷)

حال که جایگاه دلیل الکترونیکی در نظام ادله اثبات دعوا را شناختیم، به بررسی ارزش اثباتی دلیل الکترونیکی می پردازیم.

۴-۳-۳- ارزش اثباتی دلیل الکترونیکی

همانگونه که سابقاً بیان کردیم، دلایل الکترونیکی از نظر ایمنی فناوری به دو دسته دلایل الکترونیکی مطمئن و عادی دسته بندی می شوند. دلیل الکترونیکی مطمئن، داده پیامی است که توسط یک سیستم اطلاعاتی مطمئن تولید، ذخیره و یا پردازش شده است و دارای امضای الکترونیکی مطمئن است و با شرایط یک سابقه اطلاعاتی مطمئن، ذخیره شده است. سطح ایمنی فناوری مورد استفاده در این سند به صورتی است که انتساب سند به صادر کننده، هویت او و تمامیت سند را تضمین می کند. چنین سندی غیر قابل انکار، غیر قابل تردید و غیر قابل جعل است. (عبداللهی، ۱۳۹۱ ص ۹۷)

دلیل الکترونیکی عادی، هر دلیلی است که دارای شرایط دلیل مطمئن نباشد به عبارت دیگر دلیل عادی، هر داده پیامی است که توسط یک سیستم اطلاعاتی غیر مطمئن تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش شده است و دارای امضای الکترونیکی غیر مطمئن است به صورتی که نمی توان از انتساب سند به صادر کننده، هویت او یا تمامیت سند اطمینان حاصل کرد که تمامی این موضوعات را به تفصیل بررسی کردیم. اگر چه قانون تجارت الکترونیک، بدون تفکیک دلایل الکترونیکی، صرفاً دلیل الکترونیکی مطمئن را مورد تأکید قرار داده و آثار و ارزش اثباتی آن را به صورت خاص مطرح کرده است اما تفکیک دلایل الکترونیکی به دو نوع عادی و مطمئن به روشنی از مواد قانون بر می آید، در قانون تجارت الکترونیک، ارزش اثباتی تمام دلایل الکترونیکی را به صورت عام در ماده ۱۲ مقرر کرده و آن گاه حکم دلیل مطمئن را به صورت خاص بیان کرده است که در نتیجه، حکم این ماده صرفاً در مورد دلایل عادی حاکم است. با توجه به این تفکیک، در این مبحث به بررسی ارزش اثباتی دلیل می پردازیم (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۹۸).

۴-۳-۱- ارزش اثباتی دلیل الکترونیکی عادی

ارزش اثباتی دلیل الکترونیکی را می توان از مواد ۶، ۷ و ۱۲ قانون تجارت الکترونیک استنباط کرد. به موجب این مواد، دلیل الکترونیکی در هر قالبی- سند، اقرار، شهادت و... که باشد دارای ارزش اثباتی همان قالب در ادله سنتی است و دلایل الکترونیکی به هر حال در قالب سند قرار می گیرند اسناد الکترونیکی که دارای شرایط مطمئن نیستند، از ارزش اثباتی اسناد عادی برخوردارند حتی اگر فناوری مورد استفاده در آنها غیر ایمن باشد، زیرا مواد ۶ و ۷ قانون تجارت الکترونیک، داده پیام و امضای الکترونیکی را معادل نوشته و امضای سنتی می داند پس با توجه به آنکه ارکان سند عادی- نوشته و امضا- محقق هستند، چنین سندی از اعتبار اسناد عادی سنتی برخوردار است. یعنی تا زمانی که اصالت آن اسناد تکذیب نشده است، اصل بر صحت آن اسناد است و تا زمانی که طرف دعوا به اصالت سند اعتراض نکرده است، سند محمول بر صحت است و دادرس نمی تواند به علت ایمن نبودن فناوری مورد استفاده سند و یا امضای آن، سند را معتبر نداند. این قاعده از مصادیق اصل صحت است و به طور ضمنی از مواد ۲۱۶ و ۲۱۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، که اعلام انکار و تردید را برای آغاز رسیدگی به اصالت سند لازم می داند و نیز از ماده ۲۲۳ که خط، امضا، مهر و اثر انگشت اسناد عادی را به عنوان معیار تطبیق اصالت سند پذیرفته است استنباط می شود. اما سند الکترونیکی عادی، مانند اسناد سنتی عادی، قابل انکار و تردید است که در مباحث بعد به بررسی آن می پردازیم (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۹۸ و ۹۹).

برخی از صاحب نظران، با عنایت به ماده ۱۳ قانون تجارت الکترونیک معتقدند ارزش اثباتی دلیل الکترونیکی عادی با توجه به عوامل مطمئن توسط دادرس تعیین می شود. این نظر، صحیح به نظر نمی رسد زیرا در نظام حقوقی ایران، سیستم ارزیابی دلیل، قانونی است و ارزش اثباتی دلایل، از پیش تعیین شده و به دادرس تحمیل می شود و دادرس نمی تواند به اختیار خود، ارزش اثباتی دلایل را مشخص کند مثلاً نمی تواند اقراری را که به صورت الکترونیکی واقع شده است مؤثر در دعوا نداند، همچنین واگذاری ارزش اثباتی دلیل الکترونیکی به اختیار دادرس، با مواد ۷ و ۶ قانون تجارت الکترونیک که امضای الکترونیکی و داده پیام را معادل امضای سنتی و نوشته می داند معارض است، از طرفی اعتقاد به این نظر موجب می شود که دادرس

بتواند بدون اظهار انکار و تردید از جانب اصحاب دعوا، صحت سند را رد کند در حالی که همانطور که دانستیم در قواعد عمومی ادله اثبات دعوا، اصل بر صحت اسناد است و این قاعده با توجه به ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیک در مورد دلایل الکترونیکی نیز جاری است (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۹۹).

بنابراین، از جمع این مواد چنین بر می آید که دلیل الکترونیکی در هر قالبی که باشد، دارای ارزش اثباتی معادل همان قالب در نظام ادله سنتی است، یعنی شهادتنامه الکترونیکی دارای اعتبار شهادتنامه سنتی و سند الکترونیکی معادل سند عادی سنتی است و ماده ۱۳ قانون تجارت الکترونیک که تعیین ارزش اثباتی دلایل را با لحاظ عوامل مطمئن به اختیار دادرسی می‌داند، در مقام رفع تعارض ادله است که در مباحث بعدی به بررسی آن می پردازیم (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۹۹).

۴-۳-۲- ارزش اثباتی دلیل الکترونیکی مطمئن

ارزش اثباتی دلیل مطمئن در مواد ۱۵ و ۱۴ قانون تجارت الکترونیک مقرر شده است. این نوع دلیل از ارزش اثباتی بالایی برخوردار است و همانند اسناد رسمی، غیر قابل انکار و تردید است. ماده ۱۵ قانون تجارت الکترونیک مقرر می‌دارد:

«نسبت به داده پیام مطمئن، سوابق الکترونیکی مطمئن و امضای الکترونیکی مطمئن انکار و تردید مسموع نیست و تنها می‌توان ادعای جعلیت به داده پیام مزبور وارد و یا ثابت نمود که داده پیام مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است» که اثبات جعلیت یا از اعتبار افتادن داده پیام، با مدعی آن است.

ماده ۱۴ این قانون نیز در مورد دلایل مطمئن مقرر می‌دارد:

«کلیه داده پیامی‌هایی که به طریق مطمئن ایجاد و نگهداری شده‌اند، از حیث محتویات و امضای مندرج در آن، تعهدات طرفین یا طرفی که تعهد کرده و کلیه اشخاصی که قائم مقام قانونی آنان محسوب می‌شوند، اجرای مفاد آن و سایر آثار، در حکم اسناد معتبر و قابل استناد در مراجع قضایی و حقوقی است.»

منظور از سند معتبر، سندی است که هم قادر به ایجاد آثار یک عمل حقوقی و هم قادر به اثبات آن عمل حقوقی است اما «سند قابل استناد» صرفاً در اثبات موضوع مؤثر است اما در ثبوت موضوع واجد اثر نیست. به عنوان مثال، اگر در سندی آمده باشد که خواهان، ملکی را از شهرداری خریده است، این سند در برابر متصرفی که مدعی مالکیت است قابل استناد است و از جهت اثبات وقوع معامله میان شهرداری و خواهان نیز معتبر است اما در اثبات مالکیت شهرداری در برابر مدعی اعتبار ندارد زیرا به موجب ماده ۱۲۹۰ قانون مدنی، اسناد رسمی تنها در صورتی در برابر اشخاص ثالث معتبر هستند که قانون تصریح کرده باشد.

عبارت «در حکم اسناد معتبر و قابل استناد»، عبارتی مبهم و نامناسب است، زیرا قانون، سند را نوشته ای میداند که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد است پس تمام اسناد قابل استناد هستند و عبارت سند قابل استناد بی معناست؛ از طرفی، دلایل مطمئن به حکم ماده ۱۵ نه تنها معتبر و قابل استنادند بلکه غیر قابل انکار و تردید هستند؛ بنابراین، ذکر قابل استناد بودن دلایل مطمئن، توجیهی ندارد ضمن آنکه ماده ۱۲ این قانون، کلیه دلایل الکترونیکی را خواه مطمئن خواه غیر مطمئن قابل استناد می‌داند و تأکید بر قابلیت استناد دلیل مطمئن در ماده ۱۴، حکم این ماده را نیز با ابهام مواجه می‌نماید. (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰).

پیش نویس قانون تجارت الکترونیک، برای اسناد مطمئن، ارزشی معادل اسناد رسمی قائل شده بود و در ماده ۱۵ مقرر می‌داشت:

«کلیه داده‌هایی که به طریق مطمئن ایجاد و یا نگهداری شده‌اند، از حیث محتویات و امضای مندرج در آن، تعهدات طرفین یا طرفی که تعهد کرده و کلیه اشخاصی که قائم مقام قانونی آنان محسوب می‌شوند، اجرای مفاد آن و سایر آثار، در حکم اسناد رسمی است» (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰).

همچنین در ماده ۱۹ این پیش نویس نیز آمده بود: «ارزش اثباتی داده‌هایی که به طریق مطمئن ایجاد شده‌اند معادل اسناد رسمی است» اما ماده ۱۹ پیش نویس حذف شد و ماده ۱۵ نیز به شکل مذکور در ماده ۱۴ فعلی تغییر یافت: که در نتیجه با این تغییرات، حکم دلایل الکترونیکی مطمئن، همچنان مبهم است (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۱).

ماده ۱۵ قانون تجارت الکترونیک، داده پیام مطمئن را غیر قابل انکار و تردید می‌داند، با توجه به آنکه این ویژگی از آثار اسناد رسمی است، این سوال به ذهن می‌رسد که آیا قانونگذار، قصد دارد دلیل مطمئن را به عنوان جایگزینی برای اسناد رسمی بپذیرد یعنی آیا سایر آثار قانونی که برای اسناد رسمی وجود دارد در مورد دلیل مطمئن هم جاری می‌شود. به عنوان مثال آیا تاریخ دلیل مطمئن همانند سند رسمی در برابر اشخاص ثالث قابل استناد است (ماده ۱۳۰۵ قانون مدنی) یا در صورتی که دعوا مستند به سند مطمئن باشد آیا می‌توان در این دعوا بدون سپردن خسارات احتمالی، قرار تأمین خواسته در خواست کرد (بند الف ماده ۱۰۸) و یا در مواردی که قانونگذار، تنظیم سند رسمی را شرط وقوع عقد می‌داند مثل تنظیم شرکتنامه، صلحنامه و هبه نامه (بند ۲ ماده ۴۷ قانون ثبت اسناد و املاک) آیا دلیل مطمئن می‌تواند این نیاز را برآورده کند (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۱).

برخی به این سوال پاسخ مثبت می‌دهند و سند مطمئن را جایگزین برای سند رسمی می‌دانند، ایشان برای اثبات نظر خود چنین استدلال می‌کنند:

۱- مهمترین اثر سند رسمی، عدم قابلیت انکار و تردید است که دلیل مطمئن از این کارکرد برخوردار است، به موجب ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیک نمی‌توان ارزش اثباتی دلیل الکترونیکی را صرفاً به دلیل شکل و قالب آن رد کرد (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۱).

۲- ماده ۴۲ قانون تجارت الکترونیک، برخی موارد را از شمول مقررات تحت پوشش قانون مستثنی کرده است، که یکی از این موارد معاملات راجع به فروش اموال غیر منقول یا حقوق مالکیت ناشی از اموال غیر منقول بجز اجاره است (بند ب ماده ۴۲). با توجه به آنکه فقط این موارد از شمول قانون خارج شده می‌توان گفت سایر مواردی که در این ماده استثنا نشده‌اند مثل عقد اجاره، صلح، تنظیم هبه نامه و شرکتنامه را می‌توان به موجب یک سند الکترونیکی مطمئن اثبات کرد. (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۱).

۳- علت اعتبار بخشیدن به سند رسمی توسط قانونگذار آن است که این نوع سند، در حضور مقامات دفاتر اسناد رسمی منعقد می‌شود و صاحبان این دفاتر مکلفند هویت و اهلیت تنظیم کنندگان سند را احراز کنند، به همین جهت از صحت انعقاد عقد و تنظیم سند، اطمینان حاصل می‌شود، اسناد الکترونیکی مطمئن نیز دارای امضای دیجیتالی هستند که مرجع صدور گواهی، آنها را صادر کرده است و دفاتر ثبت نام گواهی الکترونیکی بر اساس بند ب م ۱۳ آیین نامه اجرایی مصوب ۱۳۸۶/۶/۱۱ موظفند که مرجع صدور گواهی، آنها را صادر کرده است هویت متقاضیان گواهی امضاء و مدارک آنها را تصدیق کرده از اهلیت آنها اطمینان حاصل کنند، بنابراین، احراز هویت و اهلیت تنظیم کنندگان سند رسمی که یکی از وظایف اصلی دفاتر اسناد رسمی است، از سوی مراکز صدور گواهی الکترونیکی نیز انجام می‌شود (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲).

با توجه به استدلال فوق عده ای معتقدند سند مطمئن می‌تواند جایگزینی برای سند رسمی باشد و از تمام آثار سند رسمی برخوردار شود در حالی که این نظر صحیح نیست، زیرا:

۱- سند رسمی در قانون تعریف خاصی دارد، ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی، مقرر کرده است در اداره ثبت اسناد و املاک یا دفاتر اسناد رسمی یا نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها بر طبق مقررات اسنادی که قانونی تنظیم شده باشند، رسمی است. اسنادی که بدون رعایت شرایط این ماده تنظیم شده باشند بر اساس ماده ۱۲۸۹ عادی محسوب می‌شوند پس، بر اساس قانون برای تنظیم سند رسمی، حضور فیزیکی طرفین عقد و تنظیم سند نزد مأمور رسمی شرط است که این شرط، در تنظیم اسناد الکترونیکی مطمئن فراهم نمی‌شود یعنی در تنظیم سند الکترونیکی مطمئن، طرفین عقد نزد هیچ مأمور رسمی حضور فیزیکی پیدا نمی‌کنند؛ بنابراین، سند الکترونیکی مطمئن، نمی‌تواند سند رسمی محسوب شود (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲).

۲- از بررسی برخی مواد قانونی، استنباط می‌شود که قانونگذار مایل نبوده است اسناد الکترونیکی مطمئن را جایگزین سند رسمی بداند و همچنان به شیوه سنتی کتابت را شایسته تر می‌داند، به عنوان مثال ماده ۶ قانون تجارت الکترونیک، در مورد اسناد مالیکت اموال غیر منقول، داده پیام را معادل نوشته نمی‌داند و برای تنظیم اسناد این اموال مکتوب بودن سند را شرط می‌داند. همچنین بند ب ماده ۱۱۳ قانون برنامه چهارم توسعه که به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اجازه ارائه خدمات به

صورت رایانه‌ای اعطا کرده است، رعایت کتابت را در تنظیم اظهار نامه، صورت مجلس، تحدید حدود دفاتر املاک و اسناد رسمی لازم تلقی کرده، و در تنظیم این موارد، داده پیام را کافی محسوب نمی‌کند (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲).

۳- اسناد رسمی، اهداف و کارکردهایی دارند که دلیل الکترونیکی مطمئن در حال حاضر با توجه به سامانه اجرایی کشور قادر به تأمین تمام این کارکرد ها نیست، عمده ترین کارکردهای ثبت اسناد به قرار زیر است:

الف- ثبت رسمی اسناد، تضمین کننده نظم عمومی و حقوق طرفین معامله است. ثبت رسمی اسناد، وضعیت مالکیت ملک را معین کرده و به این طریق از وقوع معامله معارض جلوگیری کرده و از دعاوی ناشی از آن می‌کاهد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۹۷-۲۹۶). مراجع ثبت با احراز و تأمین تشریفات لازم الرعایه، موجب ایجاد اطمینان در معاملات می‌شوند و ارزش حقوقی ای که قانون به آنها اعطا کرده است ناشی از رعایت همین تشریفات و نتایج آن است. ب- گاه هدف قانونگذار ثبت اسناد جلب توجه اشخاص به آثار اعمال حقوقی و تذکرات و نتایج آن است مثل ماده ۴۷ قانون ثبت که تنظیم هبه نامه و صلحنامه را به صورت سند رسمی لازم می‌داند. (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳).

ج- گاه هدف قانونگذار از ثبت اسناد آن است که شخص ثالثی در تنظیم سند نظارت کند تا وجود شرایط خاصی را احراز نماید. مواد ۵۰، ۵۲، ۵۷، ۶۴، ۶۶، ۶۷ و ۸۶ قانون ثبت، احراز هویت، اهلیت، قصد و رضای طرف متعهد یا طرفین قرار داد را حین انجام معامله توسط سر دفتر لازم می‌دانند و احراز هویت باید به صورتی باشد که سر دفتر بتواند به صورت قطعی اظهار کند که هویت امضاء کننده سند را با توجه به شرایط متعارف و معمول احراز نموده است. سر دفتر این امر را تأیید می‌نماید که امضاء کننده سند، هوشیار و آگاه بوده است و قصد امضای سند را داشته است (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳).

د- یکی دیگر از اهداف ثبت رسمی سند، تسهیل تصدیق اصالت سند است زیرا نسخه اصلی سند رسمی، تحت حفاظت قانون و نزد یک مقام رسمی باقی می‌ماند و فقط نسخه دوم آن به اشخاص ذینفع تسلیم می‌شود به همین جهت، بررسی اصالت سند رسمی از طریق تطبیق با نسخه اصلی به راحتی قابل احراز است (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳).

سند الکترونیکی مطمئن، نمی‌تواند تمامی اهداف مذکور را فراهم نماید، اگر چه هویت و اهلیت صادر کننده سند، هنگام صدور گواهی الکترونیکی توسط مراکز ثبت نام احراز می‌شود اما اهدافی مانند احراز اهلیت، قصد و اراده طرفین در لحظه انعقاد معامله را نمی‌توان تأمین کرد، زیرا گاه ممکن است طرف قرار داد بعد از صدور گواهی، دچار جنون یا سفه شود یا تحت تأثیر اکراه یا اشتباه اقدام به انعقاد معامله نماید احراز این شرایط جز با حضور فیزیکی متعاملین نزد سر دفتر فراهم نمی‌شود از طرفی با توجه به آنکه در حال حاضر، امکان ثبت اسناد به شیوه الکترونیکی وجود ندارد، اسناد الکترونیکی مطمئن قادر به فراهم کردن یک سیستم جامع برای تعیین وضعیت مالکیت ملک نیستند و نمی‌توانند مانع وقوع معامله معارض شوند.

بنابراین اگر چه اسناد الکترونیکی به حکم ماده ۱۵ غیر قابل انکار هستند اما نمی‌توان بدون تصریح قانونگذار، این اسناد را جایگزین اسناد رسمی دانست و سایر آثاری را که قانونگذار برای اسناد رسمی قائل شده است در مورد آنها جاری کرد. مثلاً در مواردی مانند شرکتنامه و هبه نامه که قانون، وجود یک سند رسمی را لازم می‌داند، دلیل الکترونیکی مطمئن، نمی‌تواند نیاز را برآورده سازد اما چنین سندی در حد اسناد عادی دارای اعتبار خواهد بود. اعتباری که قانون ایران برای دلیل الکترونیکی مطمئن قائل شده است، بیش از قانون نمونه آنستیرال است زیرا برخلاف قانون نمونه که تعیین ارزش همه دلایل از جمله دلایل مطمئن را نیز به اختیار دادگاه گذاشته است، در قانون ایران، پس از اثبات اطمینان دلیل، آن دلیل، غیر قابل انکار و تردید است (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷).

۴-۳-۴- بار اثبات دعوا

ارزش اثباتی دلیل الکترونیکی با توجه به نوع دلیل تعیین می‌شود پس برای تعیین ارزش اثباتی دلیل، دادرس ابتدا باید نوع دلیل را بشناسد. اما بار اثبات ادعا با کیست؟ در قانون تجارت الکترونیک، اصل بر عادی بودن اسناد الکترونیکی است و برای آنکه دلیلی مطمئن تلقی شود، باید شرایط مذکور در قانون را داشته باشد که این شرایط را به تفصیل بررسی کردیم. پس، در صورتی که شخصی مدعی مطمئن بودن دلیل باشد در این مورد مدعی محسوب می‌شود زیرا اظهار او خلاف اصل است و به موجب قاعده «البینه علی من ادعی» بار اثبات به عهده مدعی آن است و برای اثبات این امر باید موارد زیر اثبات شود:

۱- امضای مندرج در سند، واجد شرایط مقرر در ماده ۱۰ قانون تجارت الکترونیک در مورد امضای مطمئن است.
 ۲- سیستم اطلاعاتی که سند را تولید، ذخیره یا پردازش نموده است واجد شرایط مقرر در بند ۲ ماده ۲ در مورد سیستم اطلاعاتی مطمئن باشد.

۳- سند پس از ایجاد با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۱ قانون تجارت الکترونیک، در مورد سابقه اطلاعاتی مطمئن نگهداری شده است. دادگاه برای احراز این موارد، موضوع را به کارشناس ارجاع می‌دهد، احراز یک یک این موارد، مستلزم صرف هزینه و زمان زیادی است که این دشواری از مقبولیت ادله الکترونیکی مطمئن می‌کاهد و ممکن است دارنده دلیل الکترونیکی مطمئن، به دلیل ناتوانی از اثبات از پیروزی در دعوا محروم شود. برای معاف نمودن مدعی از این تکلیف دشوار، شایسته است برخی روش های فنی موجود که از شرایط اطمینان برخوردارند به عنوان امارات اطمینان دلیل، معرفی شوند.
 پیش نویس قانون تجارت الکترونیک، در ماده ۱۲۷ کمیته ای را با عنوان کمیته فناوری و استاندارد سیستم‌های اطلاعاتی، پیش بینی کرده بود تا با تحقیق در خصوص آخرین دستاوردهای علمی، بهترین روش های موجود را با انتشار راهنمای عمل معرفی نماید که روش های فنی معرفی شده، بدون نیاز به اثبات اطمینان، می‌توانستند در دادگاه مورد قبول قرار گیرد که متأسفانه این بند در تنظیم نهایی قانون، حذف شد.

در حال حاضر، امضای دیجیتالی که توسط مراکز صدور گواهی دیجیتال صادر می‌شود از فرض اطمینان برخوردار است، زیرا استاندارد مورد استفاده این مراکز همواره توسط کمیسیون زیر ساخت کلید عمومی کشور به روز رسانی شده و منطبق با استانداردهای رایج جهانی است بنابراین، در صورتی که طرف دعوا به امضای صادره توسط این مراکز استناد کند، از اثبات اطمینان معاف می‌باشد.

همچنین قانون تجارت الکترونیک در ماده ۱۶، داده پیامی را که توسط شخص ثالث، مطابق با شرایط ماده ۱۱ در مورد سابقه اطلاعاتی مطمئن ثبت و نگهداری شده، مقرون به صحت می‌داند؛ ظاهراً هدف از این ماده، ایجاد فرض اطمینان برای داده پیام هایی است که توسط دفاتر خدمات الکترونیکی ثبت و ذخیره می‌شوند که تاکنون هیچ مرجعی، جهت انجام این تکلیف، به وجود نیامده است.

البته اماراتی مانند انتساب داده پیام به اصل ساز که در گذشته آن را شرح دادیم از این بار می‌کاهد، در صورتی که داده پیام، بنا به روش مورد توافق یا معرفی شده از جانب اصل ساز ارسال شود، به موجب بند الف ماده ۱۹ به اصل ساز منسوب می‌شود حتی اگر روش مذکور از نظر فنی مطمئن نباشد؛ به عنوان مثال، در صورتی که طرفین، طبق توافق خصوصی، ارسال پیام از آدرس پست الکترونیکی را دلیل بر انتساب سند به ارسال کننده بدانند، ارسال کننده نمی‌تواند به بهانه اینکه چنین روشی از اطمینان کافی برخوردار نیست، انتساب سند به خود را انکار کند (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۶-۱۰۸).

۴-۳-۵- تعارض دلایل

گاه ممکن است در دادرسی، دلایل طرفین با یکدیگر در تعارض قرار بگیرند؛ رفع این تعارض میان دلایل، از یک سو با توجه به ارزشی که قانون برای هر دلیل مشخص کرده و از سوی دیگر، با توجه به دلالت هر یک از این دلایل، از نظر دادرسی برای اثبات دعوا یا دفاع از آن در مقابل سایر دلایل صورت می‌گیرد مثلاً در صورتی که یک دلیل الکترونیکی مطمئن، با یک سند عادی سنتی، در تعارض قرار گیرد، با توجه به اینکه دلیل الکترونیکی مطمئن، غیر قابل انکار و تردید است، مقدم بر سند عادی سنتی است، اما در صورتی که دلایل متعارض، هم درجه باشند به عنوان مثال اگر تعارض بین یک دلیل الکترونیکی مطمئن با یک سند رسمی کاغذی، یا دو سند الکترونیکی عادی، یا دو سند الکترونیکی مطمئن و یا بین یک سند عادی سنتی و یک سند عادی الکترونیکی باشد، با توجه به سکوت قانون تجارت الکترونیک، حل این تعارض با دادرسی است (زرکلام، ۱۳۸۲، ص ۳۰۲). ماده ۱۳ قانون تجارت الکترونیک در این زمینه مقرر می‌دارد:

«به طور کلی، ارزش اثباتی داده پیام ها با توجه به عوامل مطمئن از جمله تناسب روش های ایمنی به کار گرفته شده با موضوع و منظور داده پیام، تعیین می‌شود».

بنابراین، در صورت تعارض ادله، دادرسی با لحاظ عوامل مطمئنه، این تعارض را حل کرده و ارزش اثباتی دلایل را تعیین خواهد کرد که جهت احراز این امور، دادرسی می‌تواند امر را به کارشناسی ارجاع دهد. ایراد ماده مذکور، آن است که معیار «عوامل مطمئنه» را به تفصیل تعیین نکرده است و فقط از باب تمثیل، لزوم تناسب روش های ایمنی به کار گرفته شده با موضوع و منظور داده پیام را نام برده است که این امر می‌تواند منجر به تشتت آراء شود، اما برای تشخیص اطمینان دلیل، اموری مانند تجهیزات مورد استفاده طرفین، نوع فعالیت تجاری آنها، ارزش موضوع داده پیام، هزینه اتخاذ روش های ایمنی و انطباق با عرف و رویه تجاری باید لحاظ شود (آنسیترا، ۱۹۹۶).

بنابراین، در صورتی که ارزش معامله موضوع سند به میزانی است که استفاده از یک روش ایمنی مطمئن برای امضای سند یا نگهداری آن، معقول نیست، استفاده از یک روش ایمنی ساده تر، اطمینان آن سند را تأمین می‌کند همچنین در صورتی که صادر کنندگان سند به روش های ایمنی مانند امضای دیجیتال دسترسی داشته باشند و بتوانند به سهولت از آن استفاده نمایند، استفاده از امضایی با ایمنی کمتر نمی‌تواند عنصر اطمینان را برای این اسناد تأمین کند. همچنین، اینکه عرف تجاری برای اسناد مشابه با سند مورد اختلاف، چه معیارهای ایمنی را در نظر می‌گیرد نیز باید لحاظ شود (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸ و ۱۰۹).

۴-۳-۶- تکذیب صحت سند

تکذیب صحت اسناد الکترونیکی به دو صورت ممکن است گاه نسبت به اصالت سند اظهار انکار و تردید می‌شود و گاه نسبت به آن ادعای جعل می‌شود که در این مبحث به شرح آنها می‌پردازیم.

۴-۳-۶-۱- اظهار انکار و تردید

اظهار انکار و تردید، فقط نسبت به اسناد عادی الکترونیکی ممکن است و اسناد مطمئن به موجب ماده ۱۵ قانون تجارت الکترونیک، قابل انکار و تردید نیستند. منظور از انکار، اعلام رد تعلق خط، امضا، مهر و یا اثر انگشت سند غیر رسمی به منتسب الیه توسط خود وی می‌باشد (شمس، ۱۳۸۶). منظور از تردید، عدم پذیرش انتساب خط، امضا، مهر و یا اثر انگشت سند غیر رسمی به منتسب الیه توسط شخص دیگر است (شمس، ۱۳۸۶، ص ۱۸۴). که در دلایل الکترونیکی به صورت رد انتساب امضای الکترونیکی ذیل سند تحقق می‌یابد.

لازم به ذکر است که اگر شرایط مذکور در مواد ۱۸ و ۱۹ در مورد اماره قانونی انتساب داده پیام به اصل ساز محقق باشد، نمی‌توان در مورد آن، انکار و تردید کرد. بنابراین، اگر داده پیام توسط نماینده اصل ساز یا سیستم اطلاعاتی تحت کنترل او صادر شود یا با روش مورد توافق طرفین یا اعلام شده از جانب اصل ساز ارسال شود، منسوب به اوست و قابل انکار و تردید نیست اما اگر فرض انتساب سند به صادر کننده وجود نداشته باشد، بار اثبات اصالت سند با ارائه کننده سند است.

اثبات صحت انتساب سند در اسناد کاغذی، از طریق تطبیق خط، امضا، مهر یا اثر انگشت سند با خط، مهر، امضا یا اثر انگشت اسناد مسلم الصدور صورت می‌گرفت اما در مورد اسناد الکترونیکی، از آنجا که امضاء و خط سند بجز در مورد امضای زیست سنجی با ویژگی های زیستی و روانی شخص در ارتباط نیست نمی‌توان از این راهکار بهره برد اما در سایر موارد باید از روش های فنی ایمنی مورد استفاده در سند برای اثبات صحت انتساب سند بهره برد که در این مورد، با عنایت به ماده ۱۳ قانون تجارت الکترونیکی تشخیص میزان تأثیر روش های ایمنی در اثبات انتساب سند به صادر کننده با لحاظ عوامل مطمئنه به اختیار دادرسی است در اجرای این قاعده، دادرسی باید اوضاع و احوال، عرف رایج و نیز توافق های خصوصی احتمالی را لحاظ کند، گاه ممکن است دادرسی، استفاده از یک رمز عبور ساده و کارت هوشمند که در برداشت حساب از بانک استفاده شده است را به دلیل عرف رایج و نیز تعهد صاحب حساب به عدم افشا رمز خود، دلیل بر انتساب سند به صادر کننده بداند. (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۹ و ۱۱۰).

۴-۳-۲- ادعای جعل

ادعای جعل، هم در مورد ادله الکترونیکی عادی و هم در مورد ادله الکترونیکی مطمئن، می‌تواند مطرح شود. از آنجا که جعل، نوعی ادعا ست، باید توسط ادعا کننده اثبات شود (شمس، ۱۳۸۶، ص ۱۸۴). اصطلاح «جعل»، در قانون مدنی و آیین دادرسی مدنی تعریف نشده است اما ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی، این اصطلاح را چنین تعریف کرده است:

«جعل، عبارت است از ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب». در محیط الکترونیکی واژه هایی مانند خدشه، تراشیدگی و قلم خوردگی بی معناست و مدعی جعل، باید جعل را متناسب با فضای الکترونیک اثبات نماید مثلاً اثبات نماید که کلید خصوصی یا گذرواژه او افشا شده یا کارت هوشمند او که برای امور بانکی مورد استفاده قرار می‌دهد به سرقت رفته است و مصادیق جعل در فضای الکترونیک را می‌توان از ماده ۶۸ قانون تجارت الکترونیک استنباط کرد، ماده مذکور، تغییر، محو و متوقف کردن داده پیام در بستر مبادلات الکترونیکی، مداخله در پردازش داده پیام و سیستم‌های رایانه‌ای، استفاده بدون مجوز از وسایل کاربردی سیستم‌های رمز نگاری مانند کلید اختصاصی در تولید امضاء و نیز تولید امضای فاقد سابقه در فهرست دفاتر الکترونیکی را از مصادیق جعل می‌داند.

گاه مدعی جعل، انتساب امضای سند به خود را قبول دارد اما مدعی است که مطالب مندرج در سند بعد از امضاء یا ارسال به دریافت کننده تغییر کرده است. اگر چه تغییر سند الکترونیکی از خود اثر فیزیکی باقی نمی‌گذارد، اما می‌توان آن را با استفاده از برخی روش های فنی اثبات نمود، به عنوان مثال در صورتی که در سند مورد اختلاف، از فناوری امضای دیجیتال استفاده شده باشد، در صورتی که بعد از امضا، مورد جعل قرار گیرد به راحتی می‌توان آن را تشخیص داد، همانگونه که در مبحث امضای دیجیتال شرح دادیم، امضای دیجیتال از فناوری «خرد کردن» استفاده می‌نماید. در این فرایند، پیام قبل از ارسال با استفاده از یک الگوریتم ریاضی خرد شده و به یک «خلاصه پیام» تبدیل می‌شود، این خلاصه، نسبت به متن پیام کاملاً منحصر به فرد است و حکم یک اثر انگشت منحصر به فرد را دارد به طوری که هیچگاه دو متن نمی‌توانند یک اثر انگشت داشته باشند و در صورتی که حتی یک حرف از پیام تغییر یا بد، آن اثر انگشت تغییر می‌کند (آنسیسترال، ۲۰۰۳). که از این امر می‌توان برای اثبات جعلی بودن پیام استفاده کرد.

در حال حاضر، از بین روش های فنی صرفاً امضای دیجیتال می‌تواند مثبت تمامیت سند باشد. در صورتی که صحت سندی که در دادگاه مورد اختلاف قرار گرفته است، اثبات شود، به موجب ماده ۱۲۹۱ قانون مدنی، آن سند در حکم سند رسمی است و از ارزش اثباتی این اسناد برخوردار است. (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰-۱۱۲).

۴-۳-۷- ارجاع دهی دلیل الکترونیکی

گاهی تمامی اطلاعات به صورت جامع در قالب یک سند الکترونیکی، درج نمی‌شود، بلکه برخی از اطلاعات در سند دیگری درج می‌شود که دلیل الکترونیکی به آن، ارجاع می‌دهد. این امر، در اسناد کاغذی نیز وجود دارد و ماده ۱۳۰۴ قانون مدنی، حکم این قضیه را تعیین کرده است. به موجب این ماده: «هر گاه امضای تعهدی در خود تعهد نامه نشده و در نوشته علیحده شده باشد، آن تعهد نامه بر علیه امضاء کننده، دلیل است؛ در صورتی که در نوشته مصرح باشد که به کدام تعهد یا معامله، مربوط است» بنابراین، قانون مدنی، در مورد اسناد سنتی، ضمیمه شدن اسناد به یکدیگر را پذیرفته و آنها را معتبر تلقی کرده است.

در مبادلات الکترونیکی، ارجاع دهی در داده پیام، کاربرد زیادی دارد. در حقیقت در این مبادلات، تمام اطلاعات به صورت یک قالب واحد در نمی‌آید بلکه سند اصلی، اطلاعات اندکی را در خود جای داده و طرف تعهد را به اطلاعاتی که در پایگاه های داده، فهرست مجموعه قوانین، و قسمتهای دیگر وجود دارد ارجاع می‌دهد؛ مثلاً گواهی های الکترونیکی که توسط دفاتر صدور گواهی، صادر می‌شوند حاوی اطلاعات جامعی نیستند بلکه دفتر خدمات صدور گواهی معمولاً کاربران را به شروط محدود کننده مسئولیت، فهرست گواهی های منقضی شده و سایر اطلاعاتی که در پایگاه اطلاعاتی وجود دارد، ارجاع می‌دهد؛ بنابراین بسیار ضروری است که اطلاعات ارجاعی، معتبر تلقی شوند.

در خصوص اسناد الکترونیکی، در ماده ۱۷ قانون تجارت الکترونیکی، آمده است:

«ارجاع در داده پیام با رعایت موارد زیر، معتبر است:

الف- مورد ارجاع به طور صریح در داده پیام، معین شود.

ب- مورد ارجاع برای طرف مقابل که به آن تکیه می‌کند، روشن و مشخص باشد.

ج- داده پیام موضوع ارجاع، مورد قبول طرف باشد».

شرط اول این ماده، در حقیقت، همان شرط مذکور در ماده ۱۳۰۴ قانون مدنی است، که معلوم شود که آن سند کدام است. شرط دوم این ماده مبهم است و معلوم نیست منظور از طرف مقابل که به سند تکیه می‌کند کیست زیرا طرف مقابل، اصولاً به سند تکیه و استناد نمی‌کند؛ ظاهراً منظور ماده این است که مورد ارجاع باید برای مستند علیه یعنی کسی که سند ارجاعی در دادگاه علیه او مطرح شده است، روشن باشد؛ یعنی او از ارجاع، مطلع بوده یا عرفاً بتوان او را مطلع فرض کرد. منظور از شرط سوم این ماده، این است که سند اصلی، یعنی سندی که ارجاع در آن قید شده باید به طریقی مثل امضاء یا اقرار مورد پذیرش طرف مقابل قرار گرفته باشد، در این حالت، سند ارجاعی، ضمیمه سند اصلی، محسوب می‌شود (عبداللہی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۲ و ۱۱۳).

۴-۴- بررسی اعتبار قانونی دلیل الکترونیکی پیش از تصویب قانون تجارت الکترونیک

به موجب ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، دلایلی که برای اثبات عقود یا تعهدات یا قراردادهای اقامه می‌شود تابع قوانینی است که در زمان انعقاد آنها مجری بوده است، با توجه به آنکه ادله اثبات قرار داد های الکترونیکی که پیش از تصویب قانون تجارت الکترونیکی منعقد شده‌اند تابع قانون حاکم در زمان انعقاد یعنی ادله سنتی اثبات دعواست، لازم است جایگاه و اعتبار دلیل الکترونیکی در نظام ادله سنتی بررسی شود، بنابراین در این مبحث، ارزش اثباتی دلیل الکترونیکی در نظام ادله سنتی و بدون لحاظ قانون تجارت الکترونیک را بررسی می‌نماییم.

با توجه به آنکه نظام ارزیابی دلیل در حقوق ایران، نظام قانونی است و ادله در قانون شمارش شده‌اند لازم است این امر بررسی شود که دلیل الکترونیکی را در کدامیک از قالب های مذکور می‌توان جای داد نخست این امر را مورد تأکید قرار می‌دهیم که حقوق، ذاتاً کارکردگراست یعنی در قلمرو حقوق، قالب و شکل مد نظر نیست و هدف از معرفی شرایط و الزامات قانونی، تأمین کارکرد های آن است بنابراین اگر قانون، وجود نوشته و یا امضاء را لازم می‌داند، هدف تأمین کارکردهای آنهاست. همانطور که سابقاً بیان کردیم دلایل الکترونیکی به صورت داده پیام هستند و داده پیام، مفهومی است که هر نمادی از واقعه، اطلاعات و یا مفهوم - اعم از شفاهی یا کتبی- را در بر می‌گیرد، از طرفی دانستیم که داده پیام، قادر به تأمین تمام کارکردهای نوشته است، تنها کارکردی که ممکن است دلیل الکترونیکی فاقد آن باشد، قابلیت دسترسی و رجوع مجدد است، پس اگر این قابلیت نیز تأمین شود، با توجه به کارکرد گرایی نظام حقوقی، داده پیام در نظام ادله سنتی، معادل نوشته است.

همچنین، امضای الکترونیکی نیز می‌تواند به عنوان معادل مناسبی برای امضای سنتی قلمداد شود حتی اگر از نوع امضای مطمئن و دیجیتالی نباشد و به نحو کاملاً ایمنی، قادر به تأمین اطمینان دلیل نباشد زیرا حتی امضای دستی نیز قابل جعل است و نمی‌تواند صحت سند را به شیوه مطمئنی تأمین کند بنابراین، امضای الکترونیکی نیز از نظر قانونی معادل امضای سنتی است. پس، تمامی دلایل الکترونیکی - شفاهی یا کتبی- در صورتی که دارای امضای الکترونیکی باشند، در نظام ادله سنتی اثبات دعوا در حکم سند عادی محسوب می‌شوند و همه قواعد دلیل عادی سنتی در مورد آنها حکمفرماست به عنوان مثال اصل بر صحت این اسناد است و تا زمانی که طرف دعوا به اصالت آنها اعتراض نکرده است، این ادله، محمول بر صحت می‌باشند.

لازم به ذکر است که برخی از صاحب نظران معتقدند امضای الکترونیکی اگر چه امضاء نام گرفته است اما در ردیف مهر است، زیرا این امضاء در حقیقت یک سری فرمول های ریاضی و روش های فنی است که توسط شخص ثالث تولید و به اشخاص اختصاص داده شده است و از آنجا که افراد آنها را صرفاً به عنوان ابزار و به شکلی که هستند مورد استفاده قرار می‌دهند، در تحلیل حقوقی در ردیف مهر هستند.

به رغم استدلال مذکور که نشان دهنده قابل پذیرش بودن دلیل الکترونیکی است، کمیسیون مشورتی آیین دادرسی مدنی اداره حقوقی در سال ۱۳۴۴ در مورد قابلیت استناد ضبط صوت به خطا رفته و آن را قابل پذیرش ندانسته و چنین اظهار نظر کرده است:

«دلایل اثبات دعوا به شرح مذکور در جلد سوم قانون مدنی عبارت از اقرار، سند، شهادت، امارات و قسم می باشند و در فصل دهم از باب سوم آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی هم طرز رسیدگی به دلایل مزبور پیش بینی شده است و نوار ضبط صوت که در عین حال قابل تقلید بوده و وسیله مطمئنی نمی باشد و در قوانین ایران عنوانی ندارد، با وضع حاضر نمی تواند به عنوان دلیل در اثبات دعوا مورد استناد قرار گیرد».

اما اقلیت اعضای کمیسیون، نوار ضبط صوت را قابل استناد اعلام کرده و چنین اظهار نظر کرده اند: «چون نوار ضبط صوت، وسیله حفظ اقرار و محتوای آن، اقرار است لذا به نظر می رسد نوار ضبط صوت برای کشف حقیقت یا اثبات امر در مراجع قضایی قابل استفاده باشد و احتمال تقلید و تقلب در تهیه آن، نمی تواند مؤثر در نظر فوق باشد، زیرا در مورد سایر دلایل هم، چنین احتمالی هست مثل جعل سند و شهادت و سوگند دروغ. در مورد نوار ضبط صوت اگر در اصالت آن اختلاف شود محکمه به صحت آن رسیدگی می کند همانطوری که به صحت یک سند در صورت تعرض به آن رسیدگی می شود» که همانطور که بررسی کردیم نظر اخیر، قویتر به نظر می رسد.

لازم به ذکر است که توافق طرفین، گاه می تواند مؤثر در ارزش اثباتی دلیل باشد. اگرچه قواعد مربوط به ادله، آمره است اما چنانچه توافق طرفین، نه در خصوص دخل و تصرف در دلایل قانونی، بلکه راجع به جعل مصادیق امارات باشد و موضوع اماره، مورد توافق نیز مرتبط با نظم عمومی نباشد این توافق باید معتبر شمرده شود و رویه قضایی نیز این امر را پذیرفته است؛ به عنوان مثال، در برخی قراردادهای الحاقی، نظیر اشتراک آب، برق، گاز و تلفن، ارقام ثبت شده بر روی کنتور یا شمارشگرهای میزان مصرف سالهاست به عنوان دلیل محاسبه مبالغ قابل پرداخت، توسط مشتری مورد استناد قرار می گیرند و دادگاه ها نیز در پذیرش آن تردید نمی کنند (زرکلام، ۱۳۸۲، ص ۴۶).

همچنین، برخی از ابزارهای الکترونیکی از آنجا که مورد نیاز عموم بوده اند و عرف، صحت این ابزارها را تأیید کرده است و به همین جهت، دادرس نیز در قابلیت پذیرش آنها تردید نمی کند، نمونه این موارد، استناد به نمابر در معاملات بازرگانی (سلطانی، ۱۳۸۴، ص ۳۹) و یا ارقام ثبت شده توسط سرعت سنج در تخلفات رانندگی است (شمس، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸). بنابراین، طرفین می توانند با توافق یکدیگر، ارسال یک پیام از آدرس پستی الکترونیکی را در روابط خود به عنوان یک امضای معتبر تلقی کنند.

موضوع دیگری که در این خصوص مطرح می شود، مسئله اصالت سند است. به موجب ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، طرفین مکلفند اصول اسناد خود را به دادگاه ارائه دهند. در غیراین صورت اگر عادی بوده و مورد انکار و تردید طرف مقابل قرار گیرد، از عداد دلایل آنها خارج می شود. این الزام در مورد اسناد الکترونیکی نیز وجود دارد اما با توجه به آنکه تحقق مفهوم اصل به معنای سنتی آن در مورد اسناد الکترونیکی وجود ندارد و تمام نسخ الکترونیکی در معنای سنتی، کپی محسوب می شوند و حتی نسخه نمابر که ظاهر ملموس و مادی دارد نیز رونوشت محسوب می شود و از اعتبار اصل سند برخوردار نیست (شمس، ۱۳۸۶، ص ۸۴)، چگونه باید حکم ماده مذکور را اجرا کرد؟

در این خصوص نیز تأمین کارکرد اصل سند، استناد کننده را از ارائه نسخه اصل بی نیاز می کند. بنابراین، با توجه به آنکه کارکرد ارائه نسخه اصل تأمین تمامیت سند است، در صورتی که استناد کننده بتواند تمامیت سند را با روشی مانند امضای دیجیتال ثابت نماید، سند الکترونیکی مذکور، در حکم اصل بوده و استناد کننده از ارائه نسخه اصل به دادگاه، بی نیاز است و نمی توان به بهانه عدم ارائه اصل، دعوای وی را رد کرد.

اسناد الکترونیکی ممکن است مورد انکار و تردید قرار گیرند؛ در این صورت اثبات صحت آنها به عهده استناد کننده است و او باید وجود عناصر اعتبار، یعنی نوشته بودن، امضاء و اصالت سند را اثبات کند، با توجه به آنکه حقوق، ذاتاً کارکردگراست و نیاز به عناصر مذکور با تأمین کارکردهای آنها، برطرف می شود برای اثبات صحت سند، کافی است که برخورداری دلیل الکترونیکی

از کارکردهای عناصر مذکور اثبات شود^۳ که با این کارکرد ها در گذشته آشنا شدیم بنابراین، در صورتی که طرف دعوا، سند ممضی به امضای زیست سنجی طرف دعواست که امضایی منحصر به فرد است، انتساب سند به صادر کننده را اثبات کند اما در صورتی که سند مورد استناد، تنها طریق انتساب این پیام به صادر کننده، آدرس پستی الکترونیکی اوست که با توجه به آنکه رمز عبور آن، فقط در اختیار دارنده آن است، می‌توان ارسال پیام از آدرس پستی الکترونیکی طرف دعوا را نشانه انتساب سند به او دانست، اما با توجه به آنکه رایانه به راحتی می‌تواند یک رمز عبور را کشف کند، این امر نمی‌تواند دلیل قاطعی بر صحت سند باشد و در این حالت، دادرسی می‌تواند سند مذکور را به عنوان یک اماره قضایی بپذیرد. در صورتی که امضای سند از سایر انواع امضای ساده همچون شماره شناسایی شخصی یا تصویر امضای دستی باشد نیز همین قاعده حکمفرماست (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۴-۱۱۷).

۴-۵- موانع پذیرش دلیل الکترونیکی در نظام قضایی ایران

در مباحث پیشین، ارزش اثباتی دلیل الکترونیکی در نظام حقوقی را بررسی کردیم و دریافتیم که این دلایل، از نظر قانونی، معتبر و واجد ارزش اثباتی هستند اما این سوال پیش می‌آید که با توجه به آنکه شیوه دادرسی دادگاه‌ها مبتنی بر ادله کاغذی است، ارائه دلیل الکترونیکی در دادگاه با چه مشکلاتی مواجه است و برای پذیرش دلایل الکترونیکی در نظام قضایی، چه شرایطی باید فراهم شود.

با توجه به آنکه تعداد دعاوی مرتبط با دلیل الکترونیکی، بسیار اندک بوده است، مشکلات احتمالی که دادگاه‌ها در برخورد با این ادله خواهند داشت، عملاً ظهور پیدا نکرده است اما به نظر می‌رسد پذیرش دلیل الکترونیکی در نظام قضایی فعلی کشور، با مشکلات زیر مواجه شود.

۱- شیوه فعلی ارائه دلیل و بایگانی اسناد در محاکم، کاملاً سنتی و مبتنی بر ادله کاغذی است یعنی ادله مورد استناد به صورت کاغذی در دادگاه ارائه شده و نهایتاً سوابق پرونده به صورت کاغذی ثبت و بایگانی می‌شود که اجرای این رویه در مورد دلایل الکترونیکی ایجاد مشکل می‌کند زیرا اگر چه می‌توان دلایل الکترونیکی را به صورت چاپ شده در دادگاه ارائه کرد، اما ارائه و نگهداری سوابق الکترونیکی این دلایل نیز ضروری است تا در صورت نیاز به ارزیابی صحت دلیل و یا در اعتراضات بعدی، مورد استفاده قرار گیرد؛ اگر چه قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، امکان انجام عملیات قضایی و بایگانی اسناد به صورت الکترونیکی را پیش بینی نکرده است اما به نظر می‌رسد منعی در استفاده از این شیوه وجود ندارد، ماده ۷ قانون تجارت الکترونیک، نوشته و امضای الکترونیکی را معادل نوشته و امضای دستی دانسته است. همچنین، ماده ۸ قانون تجارت الکترونیک، شرایطی را مقرر کرده است که در صورتی که داده پیام واجد آنها باشد، در حکم اصل سند محسوب می‌شود، بنابراین بایگانی الکترونیکی دلایل الکترونیکی، منع قانونی ندارد و می‌تواند جایگزین بایگانی کاغذی شود. در حال حاضر، سامانه بایگانی قضایی الکترونیکی در مجتمع قضایی عدالت، راه اندازی شده است. در این سامانه، دادخواست و کلیه اسناد ضمیمه آن و نیز اوراقی که طی دادرسی به پرونده افزوده می‌شوند یعنی از اسناد کاغذی، تصویر الکترونیکی تهیه شده و بایگانی می‌شود، اما با توجه به آنکه در مرحله تجدید نظر، سیستم قضایی الکترونیکی وجود ندارد، نسخه کاغذی اسناد نیز بایگانی می‌شود تا در صورت نیاز، در مرحله تجدید نظر، بتوان به آنها استناد کرد (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۸).

۲- دلیل الکترونیکی، عمدتاً در قرار داد های الکترونیکی و در دنیای تجارت الکترونیک، مورد استفاده قرار می‌گیرد، فضای تجارت الکترونیک و مبادلات الکترونیکی، فضایی غیر مادی و غیر محسوس بوده و مبتنی بر ارتباط از راه دور و سرعت است، به همین جهت انجام دادرسی به صورت فعلی، یعنی مواجهه حضوری اصحاب دعوا با دادرسی و برگزاری جلسات رسیدگی در یک محل فیزیکی، مناسب فضای تجارت الکترونیک نیست بلکه باید امکان رسیدگی در دادگاه الکترونیکی به شیوه اینترنتی و بدون حضور فیزیکی طرفین، فراهم شود.

ماده ۲ تصویب نامه برنامه جامع توسعه تجارت الکترونیکی، این امر را پیش بینی کرده و وزارت دادگستری را مکلف دانسته است با همکاری قوه قضاییه و وزارت بازرگانی، تا پایان شهریور ماه سال ۱۳۸۵ قانون آیین دادرسی خاص تجارت الکترونیکی را

تدوین کند که امکان طرح دعاوی حقوقی در فضای تبادل اطلاعات را متناسب با فضای غیر مادی و نامحسوس آن و رعایت اهمیت اصل سرعت در این دعاوی فراهم کند که متأسفانه این قانون، هنوز تدوین نشده است (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۹).

۳- تصور عامه آن است که دلیل الکترونیکی به راحتی قابل جعل و تغییر است و سیستم‌های الکترونیکی چندان دقیق و مطمئن نیستند و احتمال بروز خطا در اطلاعات خروجی آنها وجود ندارد. تصور قضات، وکلا و مسئولان قضایی نیز از این عموم مستثنی نیست. دلیل الکترونیکی، به تازگی وارد نظام قضایی کشور شده است و تاکنون در نظام قضایی، اطلاع رسانی و آموزش لازم در مورد ویژگی‌های این دلیل و اعتبار و ارزش اثباتی آن صورت نگرفته است و حتی نام قانون تجارت الکترونیکی برای بسیاری از قضات و وکلا ناآشناست، که این امر می‌تواند موجب عدم پذیرش دلیل الکترونیکی در دادرسی‌ها شود. لازمه پذیرش دلیل الکترونیکی در نظام قضایی، تربیت قضات و وکلای متخصص و نیز جذب کارشناسانی است که در جنبه‌های فنی دلیل الکترونیکی مانند تشخیص صحت سند، میزان اطمینان آن و شیوه‌های بازیابی دلیل تخصص داشته و در احراز امور، راهگشای دادرسی باشند. (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۹).

۴-۶- تشریفات طرح ایراد در دادرسی

تشریفات طرح ایراد در دادرسی در قانون آیین دادرسی مدنیبا قانون آیین دادرسی مدنی و قانون اصول محاکمات حقوقی تفاوت اساسی دارد که قواعد هر کدام به تفکیک مشخص خواهد شد.

۴-۶-۱- در قانون اصول محاکمات حقوقی

در این قانون، تشریفات طرح ایراد در دادرسی به دو صورت بود:

۱) ایرادات مندرج در ماده ۳۶۴ قانون که به موجب آن مدعی علیه می‌توانست بدون اینکه جواب مدعی را بدهد ایراد را مطرح نماید در این ماده قانون مقرر شده است: «مدعی علیه که به محکمه احضار شده است می‌تواند بدون اینکه جواب مدعی را بدهد در موارد مفصله ذیل ایراد نماید:

۱- وقتی که دعوی راجع به محکمه دیگری است ۲- وقتی که در همان محکمه یا محکمه دیگری همان مسأله مابین همان اشخاص در تحت رسیدگی است یا اگر همان مسأله نیست مسأله ای است که با ادعای مدعی ارتباط کامل دارد ۳- در مواردی که ادعای مدعی کاملاً راجع به مدعی علیه دیگری است ۴- در صورتی که شخصی که اقامه دعوی کرده صلاحیت آن را ندارد. ۵- در صورتی که وکیل طرف مقابل وکالت از موکل خود نداشته باشد.» در خصوص ایرادات مندرج در ماده ۳۶۴ محکمه مکلف بود که قبل از ورود در ماهیت دعوی نسبت به آن تعیین تکلیف نماید این موضوع به صراحت در ماده ۳۶۸ قانون اصول محاکمات حقوقی آمده است و به موجب آن: «خواه مدعی علیه ایرادات مذکور در ماده (۳۶۴) را ضمن جواب کتبی که به ادعای مدعی می‌دهد درج کند خواه علیحده، محکمه مکلف است که بدو و قبل از رسیدگی به ماهیت دعوی به ایرادی که شده است علیحده رسیدگی کرده قرار بدهد.»

۲) ایرادات مندرج در ماده ۳۷۰ قانون که محکمه به ایرادات مندرج در این ماده، جدا از ماهیت دعوی رسیدگی نمی‌کرد، این موضوع به صراحت در ماده اخیرالذکر آمده است و به موجب آن: «در مواردی که مدعی علیه ایرادات مفصله ذیل را بنماید حق ندارد از محکمه بخواهد که به ایرادات علیحده از ماهیت دعوی رسیدگی شود: ۱- ایراداتی که مدعی حق اقامه دعوی را ندارد ۲- ایراداتی که حق دعوا قبل از اقامه آن به واسطه تادیه مدعی به یا اجرای قرارداد یا تعهد یا به واسطه صدور حکم محکمه عالی به مصالحه و اتصال آن ساقط شده است.»

بنابراین در قانون اصول محاکمات حقوقی، ایرادات مندرج در ماده ۳۶۴ را محکمه بدو و قبل از رسیدگی به ماهیت دعوی نسبت به آن تعیین تکلیف می‌نمود در حالیکه ایرادات مندرج در ماده ۳۷۰ را محکمه چنین تکلیفی نداشت.

۴-۶-۲- تشریفات طرح ایراد در فرانسه

در فرانسه چنانچه توضیح داده شد ایرادات در چهار مبحث مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است که به رغم مقررات مشترک، تشریفات طرح ایراد در هر مبحث متفاوت است مثلاً در مورد ایرادات مربوط به بطلان شیوه طرح ایراد متفاوت است. در ماده-

۱۱۲ این قانون آمده است: یا در ایرادات موجب تأخیر در ماده ۱۰۸ آمده است: لذا ملاحظه می‌شود شیوه طرح ایرادات در فرانسه تفاوت‌هایی با حقوق ایران دارد که البته ظرافت‌های خاصی نیز در آن نهفته است.

۴-۳- ایراد به عدم اهلیت و تصمیم دادگاه

اکنون که اهلیت قانون برای اقامه دعوی مشخص شد. باید دانست در صورت اقامه دعوی از سوی شخص فاقد اهلیت و ایراد خوانده تکلیف دادگاه در این خصوص چیست؟ این موضوع در دو فرض قابل تصور است:

۱- دادگاه ایراد وارده را نمی‌پذیرد و در واقع، خواهان را اهل تشخیص می‌دهد که در این خصوص قرار رد ایراد وارده را صادر و مبادرت به رسیدگی می‌نماید.

۲- دادگاه ایراد به عدم اهلیت را می‌پذیرد. و خواهان را فاقد اهلیت می‌داند که در این صورت هستند به ماده ۸۹ ق.آ.د.م مصوب ۱۳۹۲ ناظر به بند ۳ ماده ۸۴ قانون مذکور قرار رد دعوی خواهان را صادر می‌نماید. این ایراد در حقوق فرانسه در آیین دادرسی مدنی به دو شکل طرح شده است، و علت آن این است که موارد مربوط به شرایط اهلیت در قانون مدنی مطرح می‌شود در ابتدا مبحث چهارم از فصل دوم باب پنجم قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه به بطلان اعمال به دلیل نقض شکلی توجه شد است. (کاتوزیان، ۱۳۷۶)

سپس در ماده ۱۱۷ نیز به صورت خاصی عدم اهلیت به عنوان یک ایراد توجه شده است که یکی از مواردی که ایراد به عنوان نقص ماهوی توجه می‌شود دستور فقدان اهلیت در مراجعه به دادگستری است.

۴-۷- عدم احراز سمت

این ایراد در بند ۵ م ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی به این بیان مطرح گردیده است: «... کسی بعنوان نمایندگی اقامه دعوی کرده از قبیل وکالت یا ولایت یا قیمومت و سمت او محرر نباشد.»

۴-۷-۱- مفهوم سمت

سمت عبارت از عنوانی است که کسی اعم از خواهان یا خوانده به آن عنوان در دعوایی وارد یا در معاملات طرف معامله قرار می‌گیرد. (متین دفتری، ۱۳۸۱)

البته در مواردی که درخواست رسیدگی به ادعا را شخص خواهان نموده و شخص حقیقی باشد (شخص حقیقی اصیل) مفهوم سمت در نفع مستغرق می‌گردد به نحوی که با احراز ذی نفعی نوبت به بررسی سمت نمی‌رسد و تصور شخص ذی نفع و در عین حال بی سمت، غیرممکن به نظر می‌رسد، بنابراین تکلیف دادگاه در بررسی وجود یا عدم سمت، به عنوان شرط اقامه دعوی، زمانی به وجود می‌آید که درخواست رسیدگی را شخص حقیقی اصیل مطرح نموده باشد. بنابراین، منحصراً در مواردی که درخواست رسیدگی را شخص حقوقی و یا شخص حقیقی غیر اصیل تقدیم نموده باشد دادگاه، در مقام تشخیص قابلیت قبول یا رد دعوی، می‌بایست سمت درخواست‌کننده را، در کنار سایر شرایط اقامه دعوی مورد بررسی قرار داده، و در صورت عدم احراز سمت شخصی که اقامه دعوی نموده نسبت به صدور قرار رد دعوی اقدام نماید. (شمس، ۱۳۸۱)

البته در خصوص بند ۵ م ۸۴ باید گفت که این بند از نظر ادبی صحیح تنظیم نشده است و اگر به این نحو: «سمت کسی که به عنوان نمایندگی یا وکالت... اقامه دعوی کرده محرر نباشد.» می‌آمد صحیح تر می‌بود. در خصوص ارائه سمت در دادخواست ماده ۵۹ ق.آ.د.م. مصوب ۷۹ مقرر داشته. «اگر دادخواست توسط ولی، قیم، وکیل و یا نماینده قانونی خواهان تقدیم شود، رونوشت سندی که مثبت سمت دادخواست دهنده است، به پیوست دادخواست تسلیم دادگاه می‌گردد» و لذا خواهان باید در پیوست‌های دادخواست به این مطلب توجه کرده و مدیر دفتر نیز باید این امر را مورد توجه قرار دهد. اما باید توجه داشت مدیر دفتر تکلیفی در بررسی صحت دلیل مثبت سمت ندارد چون تشخیص این امر که مدرک ارائه شده مثبت سمت دادخواست دهنده است با دادگاه می‌باشد و وظیفه مدیر دفتر این است که مدرک را گرفته و ضمیمه پرونده نماید این تکلیفی است که مدیر دفتر در حدود ماده ۵۹ دارد مثلاً کسی در خارج از کشور است و در ضمن نامه‌ای که به دوستش می‌نویسد به وی وکالت می‌دهد و دوستش دادخواستی را با نمایندگی فروش مطرح می‌کند و نامه دوستش را به عنوان دلیل مثبت سمت به مدیر دفتر

می‌دهد در اینجا مدیر دفتر نمی‌تواند دادخواست را قبول نکند بلکه تشخیص این امر با دادگاه است که این نامه را به عنوان دلیل احراز کند یا خیر. (اجتهادی، ۱۳۸۰)

اما اگر دادخواست دهنده به تکلیف مذکور در ماده ۵۹ ق.آ.د.م عمل تمديد و سمت وی محرز نباشد دادگاه مبادرت به صدور چه قراری و چه تصمیمی می‌نماید؟ در این خصوص می‌توان قائل به دو تصمیم جداگانه شد:

۱- در این صورت دادگاه دادخواست را ناقص تشخیص می‌دهد و نمی‌تواند به آن رسیدگی نماید که در اینجا به صراحت ماده ۶۶ ق.آ.د.م جهات نقص را قید می‌نماید و پرونده را به دفتر اعاده می‌کند که موارد نقص طی اخطاریه به خواهان ابلاغ می‌شود، خواهان مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، نواقص اعلام شده را تکمیل نماید وگرنه دفتر دادگاه به موجب صدور قرار، دادخواست را رد می‌نماید که این قرار قابل اعتراض در همان دادگاه و رأی دادگاه در این خصوص قطعی است.

۲- دادخواست دهنده در دادخواست سمت خود را مشخص و رونوشت سندی که مثبت سمت اوست را نیز پیوست دادخواست کرده است ولی در عین حال شخص سمت قانونی ندارد و یا سمت او از نظر دادگاه محرز نیست مثل مثالی که گفته شد (کسی به استناد نامه دوستش اقامه دعوی کند که از نظر قانون این امر نمایندگی محسوب نمی‌شود) و این امر مورد ایراد خواننده نیز واقع می‌گردد که در این صورت و در صورت پذیرش ایراد توسط دادگاه، دادگاه مبادرت به صدور قرار رد دعوی می‌نماید. اما باید دانست که در دعاوی فقط اشخاص ذیل دارای سمت هستند:

۱- شخصی که به یکی از عناوین قانونی ممکن است دارنده و بتوان به حق مورد اختلاف معرفی و شناخته شود که او را اصیل می‌گویند.

۲- نماینده آن شخص از قبیل وکیل یا ولی یا قیم و مدیر تصفیه در مورد تاجر ورشکسته. اما کمی توضیح در خصوص مفهوم قائم مقامی و مفهوم نمایندگی لازم به نظر می‌رسد که فقط در این شرایط فردی قائم مقام و نماینده محسوب می‌شود و در غیر این موارد از نظر دادگاه دعوی قابل رد است: (متین دفتری، ۱۳۸۱)

۴-۷-۲- مفهوم قائم مقامی

قائم مقام شخصی است که به جانشینی دیگری دارای حقوق و تکالیف او می‌گردد (مانند وارث و مورث). که با توجه به نص صریح م ۴۱۸ ق.ت. مدیر تصفیه تاجر ورشکسته، در کلیه اختیارات و حقوق مالی تاجر که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد قائم مقام او محسوب است.

۴-۷-۳- مفهوم نمایندگی

نمایندگی عنوانی است که بر مبنای آن شخص اقدام به انجام عملی حقوقی به نام شخص دیگر، به حساب او و به منظور تأمین اهداف او می‌نماید که عبارت است از:

- نمایندگی قانونی به مفهوم اخص که در اینصورت نمایندگی نماینده، نسبت به اصیل در قانون بطور مشخص، تعیین گردیده است و بنابراین اراده هیچ یک از دو طرف در آن تأثیری ندارد مانند نمایندگی پدر و جد پدری و وصی منصوب از جانب آنان (و بعبارت بهتر ولی خاص)

- نمایندگی قضایی، که در این نوع نمایندگی، نماینده به موجب رأی دادگاه تعیین و اعلام می‌شود مانند نمایندگی قیم از صغیر یا مجنون که تحت قیمومت اوست و همچنین امین جنین (م ۱۰۳ ق.ا.ح) و امین غایب مفقود الاثر (م ۱۰۱۲ ق.م. و ماده ۱۴۰ ق.ا.ح) امین عاجز (مواد ۱۰۴ و ۱۱۸ ق.ا.ح)

- نمایندگی قراردادی در دعاوی که این نوع نمایندگی شامل وکلای دادگستری و نمایندگان حقوقی وزارتخانه ها و موارد دیگری مثل وکالت در دیوان عدالت اداری که لازم نیست حتماً وکیل دادگستری باشد بلکه صرف وکالتنامه رسمی دارای اعتبار است. (شمس، ۱۳۸۱) بنابراین تنها در موارد مذکور باید شخص را ذی سمت دانست و در غیر موارد مذکور در صورت اقامه دعوی دادگاه مبادرت به صدور قرار رد دعوی به استناد عدم احراز سمت خواهد نمود.

۴-۷-۴- ایراد به عدم احراز سمت

در صورت ایراد به عدم احراز سمت دو فرض قابل تصور است:

۱- دادگاه ایراد وارده را نمی پذیرد که قرار رد ایراد وارده را صادر می نماید.
 ۲- دادگاه ایراد به عدم احراز سمت را می پذیرد و شخص خواهان را فاقد سمت تشخیص می دهد که در اینصورت مستنداً به ماده 19 ق.آ.د.م (مصوب 79) ناظر به بند ۵ م ۸۴ قانون مذکور قرار رد دعوی خواهان را صادر و اعلام می نماید.

ایراد عدم احراز سمت نیز با توجه به اسم در شرایط ماهوی در حقوق فرانسه می باشد در قانون مدنی آمد است در عین حال اولاً می توان به ایرادات مربوط به اصلاح اعمال به دلیل نقص شکلی در موارد ۱۱۲ تا ۱۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه توجه نمود. ثانیاً در بند سوم ماده ۱۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی به ایراد عدم احراز سمت توجه شده است.

۴-۸- عدم توجه دعوی

این ایراد در بند ۴ ماده ۸۴ ق.آ.د.م مصوب 1379 آمده است و به موجب آن چنانچه خواهان دعوی را اقامه نماید که ادعا متوجه شخص خوانده نباشد خوانده می تواند به این امر ایراد وارد نماید و دادگاه در صورت پذیرش ایراد به همین استناد قرار رد دعوی صادر می نماید. در خصوص این ایراد عنوان دقیق رأی دادگاه قرار عدم توجه دعوی است و عنوان کلی رأی دادگاه قرار رد دعوی است که به استناد ماده ۸۹ ق.آ.د.م ناظر به بند ۴ ماده ۸۴ قانون اخیرالذکر صادر می شود. این ایراد در رویه عملی و در دادگاهها در مورد طرح دعوی علیه اشخاص حقیقی مدیر اشخاص حقوقی، یا نمایندگی های اشخاص حقوقی، بسیار اتفاق می افتد. گاهی برای مثال روی ویتزینها نوشته شده است: بیمه ایران نمایندگی شماره ۲ سپیدان یا مؤسسه شرکت زرین افق نور آباد، نماینده شرکت هواپیمایی آسمان، در اینجا شخصی که با کد ۲ یا شرکت زرین افق دفتر دارد در حقیقت بازوی بیمه و نماینده آن می باشد و خودش به تنهایی شخصیت حقوقی ندارد و بیمه کردن او مانند آن است که دفتر مرکزی بیمه این کار را انجام می دهد یا مثلاً در آتش سوزی اخیر خودرو های پژو ۴۰۵ شرکت ایران خودرو مثلاً شخصی در نمایندگی ایران خودرو - کاردانی در بوشهر ثبت نام نموده و خود روی خود را نیز از آنجا تحویل گرفته است در این موارد آیا آن نماینده مسئولیت دارد یا دعوی متوجه شرکت اصلی و به اصطلاح شرکت مادر است؟

در این موارد باید توجه داشت طرف دعوی باید کاملاً مشخص و قانونی باشد و در موارد فوق اگر دعوی به طرف نمایندگی (مثلاً نمایندگی ایران خودرو در بوشهر) دعوی اقامه شود، نماینده می تواند ایراد نماید که دعوی متوجه او نمی باشد بلکه دعوی متوجه شرکت ایران خودرو در تهران است و نماینده ایران خودرو در بوشهر فقط جهت ثبت نام و تحویل مسئولیت دارد و نسبت به اصل و سلامت خودرو (مثلاً در خصوص آتش سوزیهای خودرو ۴۰۵) مسئولیتی ندا رد. البته باید توجه داشت به صراحت ماده 23 ق.آ.د.م: «دعاوی ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج از شرکت در محلی که تعهد در آنجا واقع شده یا محلی که پول باید پرداخت شود یا محلی که کالا باید در آنجا تسلیم شود اقامه می شود و اگر شرکت دارای شعب متعدد باشد دعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه با اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در آن واقع است اقامه شود، مگر آنکه شعبه یاد شده برچیده شده باشد که در این صورت نیز دعاوی در مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد.» اما باید توجه داشت در این موارد بحث تحویل و تسلیم کالا میباشد و بحث مسئولیت خود کالا مثل نماینده ایران خودرو در خصوص نحوه آتش سوزی خودرو ها نمی باشد و بنابراین در موارد معنونه دعوی باید علیه شرکت اصلی اقامه شود. فرضاً در مورد آتش سوزی خودرو های پژو ۴۰۵ باید دعوی علیه شرکت ایران خودرو اقامه شود نه علیه نمایندگی ایران خودرو در بوشهر و اگر فردی دعوی را علیه نماینده مطرح کرد و با ایراد روبرو شد دعوی رد خواهد شد.

ولی باید توجه کرد گاهی اختلاف و نزاع فی مابین شخص و نماینده می باشد مثلاً نمایندگی ایران خودرو در بوشهر پول را از شخص اخذ کرده ولی آن را به شرکت ایران خودرو تسلیم نکرده است در این صورت دعوی باید بطرفیت نمایندگی ایران خودرو در بوشهر اقامه شود. مبحث دیگر اینکه همیشه نمایندگی ها فرد حقیقی نیستند بلکه دارای شخصیت حقوقی هستند البته اسم نمایندگی نباید ایجاد شبهه کند که نمایندگی دارای شخصیت حقوقی است بلکه باید نحوه عملکرد آنها را ملاحظه کرد. همانطور که اگر نمایندگی ها، مثلاً نماینده شرکت بیمه سپیدان یا نمایندگی ایران خودروی بوشهر بازوی شرکت اصلی محسوب می شود و اگر به عنوان نماینده عمل کردند دعوی متوجه آنها نیست اما اگر این طور نبود بلکه خود نماینده مثلاً

نماینده شرکت زرین افق هواپیمایی نورآباد با هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران قرارداد بسته و چند هواپیما را از شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران اجاره کرده باشد در این مورد اگر اختلافی بوجود آمد دعوی باید علیه شرکت اجاره کننده اقامه شود نه هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران چون در اینجا شرکت زرین افق نماینده محسوب می شود. بنابراین گاهی شعبه شخصیت حقوقی دارد و گاهی ندارد، در موردی که شعبه شخصیت حقوقی ندارد دعوی علیه شرکت اصلی اقامه می شود اما در مواردی که شعبه شخصیت حقوقی دارد و دعوی متوجه خود نمایندگی باشد دعوی را می توان علیه شرکت اصلی اقامه نمود اما باید داخل پرائنز شماره شعبه نمایندگی را ذکر کرد و در این موارد صلاحیت با دادگاه محل وقوع شعبه است اما این به آن معنا نیست که حتما شعبه شخصیت حقوقی و مستقل دارد (م 23 ق.آ.د.م) مگر آنکه آن شعبه خودش هم شخصیت حقوقی مستقل داشته باشد. مثلاً یک شرکت حمل و نقل بسیار بزرگ که مرکز اصلی آن در تهران است اما محل کارش در نقاط مرزی است و باید در آنجا شعبات مستقل داشته باشد اگر این شعبه در آنجا به ثبت برسد و دارای شخصیت حقوقی مستقلی شود دعوی می تواند علیه آن شعبه اقامه شود یا بعنوان مستقل از خود شرکت، اما اگر شعبه به ثبت نرسیده باشد دعوی باید با عنوان و علیه خود شرکت مرکزی اقامه شود. در دعاوی فی مابین وکیل و اصیل نیز ایراد عدم توجه دعوی بسیار مطرح می شود چه بسیار مواردی که اشخاص علیه وکیل اقامه دعوی می نمایند در حالیکه از آن جهت که وکیل به نمایندگی از اصیل معامله می نماید دعوی متوجه او نمی باشد. مگر اینکه از تقصیر وکیل خساراتی به طرف معامله یا به موکل وارد شود که عرفاً وکیل مسبب آن محسوب شود که در این صورت با استناد به ماده ۶۶۶ قانون مدنی خود وکیل طرف دعوی محسوب می شود. باید توجه داشت در مورد نیروی سه گانه زمینی، دریایی و هوایی، خود نیرو به تنهایی شخصیت حقوقی ندارد بلکه دعوی باید علیه وزارت دفاع مطرح شود و در داخل پرائنز باید نام نیرو نوشته شود مثلاً وزارت دفاع را در سطر خوانده ذکر نماید و در پرائنز (نیروی زمینی - معاونت...) و در مورد نیروی انتظامی باید عنوان وزارت کشور مطرح شود و در داخل پرائنز نام نیروی انتظامی و اداره مربوطه نوشته شود چون این نیرو به استناد قانون تحت نظارت وزارت کشور قرار دارد. (اجتهادی، ۱۳۸۰)

بنابراین بطور کلی در صورتی که دعوی متوجه خوانده نباشد مثلاً در خصوص اقامه دعوی علیه مدیر یک اداره مثلاً مدیر اداره برق، مدیر اعلام می دارد که دعوی متوجه او نیست بلکه متوجه اداره یا مدیر قبلی اداره است، و در موارد مشابه، در صورت وارد بودن ایراد دادگاه مبادرت به صدور قرار رد دعوی می نماید.

مقررات مربوط به فصل سوم از باب پنجم را می توان ناظر به ایراد عدم توجه دعوا دانست که مواد ۱۲۲ تا ۱۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه به این موضوع اشاره دارد. و به موجب آن اگر دعوا توجیهی به خوانده نداشته باشد می تواند ایراد کند و تحت عنوان عدم پذیرش به آن توجه می شود. دکتر عبد الله شمس به این نوع ایرادات تحت عنوان ایراد عدم استماع دعوا توجه نموده است. (اجتهادی، ۱۳۸۰)

۹-۴- ایرادات راجع به موضوع دعوی

این گفتار از آن جهت ایرادات راجع به موضوع دعوی نامگذاری شده است که در واقع ایراد اصحاب دعوی به خود موضوع دعوی بر می گردد مثلاً موضوع دعوی منجر نیست یا مشروع نمی باشد علیهذا این گفتار به چهار بند مجزا تقسیم می شود.

۹-۴-۱- منجر نبودن موضوع دعوی

این ایراد برای اولین بار مانند بعضی از ایرادات دیگر در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۷۹ در قانون پیش بینی شده است این ایراد در بند ۹ م ۸۴ ق.آ.د.م مصوب ۷۹ آمده است و به موجب آن چنانچه دعوی جزمی نبوده بلکه ظنی یا احتمالی باشد و با ایراد خوانده روبرو شود دادگاه در صورت پذیرش ایراد مبادرت به صدور قرار رد دعوی خواهد نمود. بنابراین با توجه به این موضوع خواهان می بایست در موقع طرح دعوی، نسبت به ذی حق بودن خود مطمئن باشد و با قاطعیت آن را اعلام نماید و چنانچه تنها با ظن و احتمال طرح دعوی نماید دعوی محکوم به رد خواهد بود. تصور نمائید یک نفر در خیابان تصادف می کند و خودرو متواری می گردد و مدعی در مقام طرح دعوی عنوان می نماید که احتمالاً فلان خودرو با وی تصادف کرده است که در این خصوص در صورت ایراد خوانده به اینکه دعوی طرح شده قطعی نبوده بلکه ظنی و احتمالی است محکوم به رد خواهد بود. البته می توان گفت چنانچه خواهان، خود او، دعوی را بصورت جزمی مطرح ننماید چگونه خواهد توانست از دادگاه

درخواست رسیدگی و صدور حکم نسبت به حقی نماید که خود او تحقق آن را منحصراً احتمال می دهد و از آن جهت که نفع، از جمله باید به وجود آمده باشد. بنابراین، چنانچه وجود آن، از نظر خود مدعی، احتمالی باشد مدعی دارا بودن نفع، در چنین حالتی ذی نفع محسوب نمی شود. (شمس، ۱۳۸۱)

علیهذا بر خلاف مقررات قانون آیین دادرسی مدنی، در قانون مجازات اسلامی به نحو مفصل تری به این مبحث پرداخته شده است و در ماده ۲۲۸ این قانون به صراحت بیان شده است که: « مدعی باید نسبت به مورد دعوی جازم باشد و با احتمال و ظن نمی توان علیه کسی اقامه دعوی کرد... » و حتی در ماده ۲۳۰ قانون مار الذکر اعلام شده است که موضوع دعوی نیز باید معلوم باشد لذا با او صاف معنونه مشخص است که خواه در امور مدنی و خواه در امور کیفری موضوع دعوی باید معلوم باشد و با ظن و احتمال نمی توان علیه کسی اقامه دعوی کرد و در صورت اقامه دعوی با ایراد خواننده دادگاه مبادرت به صدور قرار رد دعوی خواهد نمود. این ایراد بصورت مستقل در حقوق فرانسه مطرح نشده است اما با توجه به اینکه یکی از شرایط اقامه دعوا منجز بودن دعوا می باشد لذا چنانچه دعوا بصورت جزئی مطرح نشود، موضوع می تواند تحت عنوان ایرادات موضوع عدم پذیرش مطرح و به استناد به ماده ۱۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه به آن توجه می نماید.

۴-۹-۲- دعوی واهی

این مبحث از مواردی است که در زمره ایرادات مندرج در ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی نیامده است و بصورت مستقل در مواد ۱۰۹ و ۱۱۰ ق.آ.د.م آمده است. در واقع به موجب ماده ۱۰۹ ق.آ.د.م: « در کلیه دعاوی مدنی اعم از دعاوی اصلی یا طاری و درخواستهای مربوط به امور حسبی به استثنای مواردی که در قانون امور حسبی مراجعه به دادگاه را مقرر داشته است، خواننده می تواند برای تأدیه خسارات ناشی از هزینه دادرسی و حق الوکاله که خواهان ممکن است محکوم شود از دادگاه تقاضای تأمین نماید. دادگاه در صورتی که تقاضای مزبور را با توجه به نوع و وضع دعوی و سایر جهات موجه بداند، قرار تأمین صادر میکند و تا وقتی که خواهان تأمین ندهد، دادرسی متوقف می شود و در صورتی که مدت مقرر در قرار دادگاه برای دادن تأمین منقضی شود و خواهان تأمین ندهد به درخواست خواننده قرار رد دادخواست صادر می شود... ». بنابراین در مواردی که دعاوی خواهان واهی و بدون دلیل باشد، خواننده می تواند از دادگاه تقاضای تأمین و ایراد دعاوی واهی را مطرح نماید و دادگاه نیز در صورتی که تقاضای خواننده (ایراد کننده) را موجه تشخیص دهد قرار تأمین صادر می نماید که در مدت معین خواهان مکلف به سپردن است و در صورت عدم سپردن تأمین به درخواست خواننده قرار رد دادخواست خواهان صادر می شود. علیهذا با توجه به ماده ۱۰۹ ق.آ.د.م، تأمین مزبور اختصاص به دعاوی خاص ندارد بدین معنا که در کلیه دعاوی مدنی اعم از اصلی و طاری می تواند درخواست و قرار آن صادر شود برای مثال ثالثی که جلب شده می تواند درخواست کند که تأمین مزبور از جالب گرفته شود تأمین مزبور حتی در امور حسبی نیز می تواند درخواست و گرفته شود البته جز در مواردی که قانون امور حسبی مراجعه به دادگاه را مقرر داشته است (مانند درخواست مهر و موم ترکه، برداشتن مهر و موم ترکه، تحریر ترکه... که به ترتیب در مواد ۱۶۶ به بعد، ۱۹۴ به بعد و ۲۰۶ به بعد ق.ا.ح. پیش بینی شده است) افزون بر این دسته از استثنائات، استثنائات دیگری نیز در ماده ۱۱۰ ق.آ.د.م پیش بینی شده است که به موجب آن: «در دعاوی که هستند آنها چک، سفته، برات است و همچنین در مورد دعاوی هستند به اسناد رسمی و دعاوی علیه متوقف، خواننده نمی تواند برای خسارات احتمالی خود، تقاضای تأمین نماید». (شمس، ۱۳۸۱)

ایراد دعوی تأمین واهی در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ پیش بینی نشده بود و در سال ۱۳۴۹ بر اثر کثرت اقامه دعاوی بی اساس که عموماً از روی سوء نیت و سوء استفاده از (حق اقامه دعوی) در دستگاه قضایی اقامه می شد و وقت دادرسان را تلف می کرد، پیش بینی شده که البته برای صدور قرار تأمین (دعاوی واهی) باید شرایطی وجود داشته باشد که این شرایط از قرار ذیل است: (صدر زاده افشار، ۱۳۷۹)

۱- خواننده باید درخواست تأمین دعاوی واهی کند: این اخذ تأمین مانند تأمین از اتباع خارج بوده و جزء ایرادات به شمار می رود. توضیح آنکه برابر ماده ۱۴۴ ق.آ.د.م اتباع دولت های خارجی در صورت اقامه دعوی علیه اتباع ایرانی می بایست در صورت

درخواست تبعه ایرانی، بنظر دادگاه، تامین مناسب بسپارند و در صورت عدم تودیع تامین در مهلت مقرر، به درخواست خواننده دادگاه مبادرت به قرار رد دادخواست خواهد نمود.

۲- دعوای خواهان باید واهی باشد: تشخیص واهی بودن دعوای واهی با دادگاه است که از روی اوضاع و احوال دعوای یا اشخاصی که با طرح دعوای بی اساس می خواهند مقاصد نامشروع خود را اعمال کنند، آن را احراز کرده، تامین و میزان آن را معین می کند. این امر به صراحت در ماده 109 ق.آ.د.م در اختیار دادرسی دادگاه است که به موجب آن دادگاه در صورتی که تقاضای مزبور (ایراد تامین دعوای واهی) را با توجه به نوع وضع دعوی و سایر جهات موجه بداند قرار تامین صادر می نماید. و بنابراین قانونگذار معیاری برای تشخیص دعوای واهی مشخص نموده و آن را مطلق به نظر دادگاه واگذار کرده است. اما باید توجه داشت واهی بودن دعوی از دو زاویه قابل تأمل است: گاه دعوی را می توان از جهت موضوعی واهی دانست، از این حیث که متکی به هیچ دلیلی نمی تواند باشد و یا موضوع ادعا اصولاً قابل تحقق نمی باشد. گاه می توان دعوی را از جهت قانون (حکمی) واهی دانست، از این حیث که حتی موضوع ادعا بی خواهان احراز شود، حقی علیه خواننده ایجاد نمی نماید، مانند دعوای شخصی که بدون اذن مدیون دین او را ادا نماید و اکنون وجه پرداختی از او مطالبه می نماید. و باید پذیرفت که مشروط نمودن رسیدگی به دعوای خواهان به گرفتن تامین مزبور (ایراد دعوای واهی) استثناء می باشد و مانند هر حکم استثنایی دیگری باید در موضوع نص تفسیر شود. بنابراین رسیدگی نکردن به دعوای خواهان به سبب ندادن تامین مزبور باید، با توجه به محتویات پرونده، موجه شمرده شود. (شمس، ۱۳۸۱)

۳- از مواردی نباشد که قانون امور حسبی مراجعه به دادگاه را مقرر داشته باشد: مقصود این است که اقامه دعوی اصولاً از سوی خواهان صورت می گیرد اما قانون در مواردی به طور استثنایی به خواننده اجازه داده است که خواهان با خواسته‌های فرضی و احتمالی خود را در مهلت معینی از طریق دادگاه به اقامه دعوی دعوت کند و چنانچه خواهان در مهلت مذکور در دعوی حاضر نشود و دفاعی نکند، حقوق او ساقط خواهد شد این موارد را موارد تحریک نیز می گویند. بنابراین به طور کلی تامین دعوای واهی نیز در زمره ایراداتی است که خواننده می تواند وارد نماید و به موجب آن چنانچه خواهان دعوایی واهی مطرح نماید، خواننده می تواند نسبت به این دعوی و حتی قبل از ورود به ماهیت دعوی، ایراد وارد نماید که دعوی واهی است و دادگاه در صورتی که ایراد مزبور را وارد بداند، قرار تامین صادر می نماید و خواهان مکلف به سپردن تامین خواهد بود. در صورت عدم سپردن تامین بنا به درخواست خواننده قرار رد دادخواست صادر می شود. البته قانونگذار نحوه این که خواننده تا چه زمانی می تواند این ایراد را وارد نماید تعیین تکلیف نکرده است و به نظر می رسد می بایست برابر مقررات حاکم بر سایر ایرادات به آن توجه نمود. این ایراد در حقوق فرانسه بطور خاص مطرح نشده است ولی می تواند از جمله ایرادات مربوط به عدم پذیرش دعوا از سوی دادگاه موضوع مواد ۱۲۲ الی ۱۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه باشد.

۴-۹-۳- ذینفع نبودن

این ایراد نیز در بند ۱۰ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ پیش بینی شده است البته به موجب ماده ۲ ق.آ.د.م. اخیرالذکر نیز: «هیچ دادگاهی نمی تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاصی ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوی را برابر قانون درخواست کرده باشند». باید توجه داشت علاوه بر موارد مندرج در بند ۱۰ م ۸۴ ق.آ.د.م و نیز م ۲ قانون مذکور، حقوقدانان همواره «نفع» را به عنوان یکی از شرایط اقامه دعوی ذکر کرده اند. در ابتدا باید دانست، نفع در لغت به معنای سود، منفعت و بهره آمده است. (معین، دکتر محمد، فرهنگ فارسی، چاپ چهارم) البته باید در خصوص وجود نفع، به این امر اکتفا گردد که آیا، در فرضی که حق اصلی یا ماهوی مورد ادعا علیه خواننده اثبات گردد سودی عاید خواهان خواهد گردید. برای مثال در دعوای اعلام بی اعتباری سند، در مقام رسیدگی شرط ذی نفع بودن خواهان، دادگاه باید احراز نماید که در صورت صدور حکم بی اعتباری سند، امتیازی نصیب خواهان گردید. بنابراین دادگاه به وجود یا فقدان حق اصلی خواهان در دعوای اعلام بطلان، در این مقام، نباید عنایت نماید، چه در این صورت دو امر اساسی و متمایز، یعنی ذی نفعی خواهان و وجود حق اصلی، خلط می گردد. (شمس، ۱۳۸۱)

اما باید توجه داشت در خصوص نفع و اینکه آیا یکی از شرایط اقامه دعوی است، یا اینکه یکی از موارد ایرادات است که باید از سوی خواننده مطرح شود نکته بسیار ظریفی در خصوص ماده ۲ ق.آ.د.م و بند ۱۰ م ۸۴ قانون مارالذکر وجود دارد، بعبارت دیگر در موضوع حقوق مطروحه اگر خواهان ذی نفع نباشد در جریان رسیدگی چنانچه در جلسه دادگاه قاضی متوجه این موضوع بشود که اصلاً مدعی حقی ندارد تا متعاقب آن مبادرت به طرح دعوی نماید و خواننده ایراد به طرح دعوی و ذی نفع نبودن خواهان نماید، در چنین صورتی با عنایت به مفاد مندرج در دو ماده یاد شده که اشاره به ذی نفع نبودن خواهان دارد شیوه رسیدگی و اتخاذ تصمیم از سوی قاضی دادگاه به چه صورت است آیا تصمیم در ماهیت قضیه است یا در شکل آن؟ برای پاسخ دادن به سؤال مزبور و نگاهی به رویه قضایی، عیناً موضوع در نشست قضایی دادگستری محمود آباد مطرح که قضات حاضر در جلسه به اتفاق اعلام داشتند: «ماده ۲ ق.آ.د.م در بیان کلیات موضوع بوده و علی الاصول دادگاه مکلف به رعایت آن می باشد؛ اما بند ۱۰ م ۸۴ قانون یاد شده راجع به خواهان است که خواننده به ذی نفع نبودن وی ایراد می نماید و دادگاه با بررسی آن چنانچه ایراد وارد باشد اتخاذ تصمیم می نماید. در پاسخ اخیر سؤال در مورد بند ۱۰ م ۸۴ قانون مرقوم، تکلیف دادگاه را قسمت اخیر ماده ۱۹ مشخص کرده است و قضات حاضر به اتفاق در صدور قرار رد دعوی از سوی دادگاه مربوطه اعلام نظر کردند لکن در مورد ماده ۲ قانون فوق الاشعار اعتقاد دارند در صورتی دعوایی طرح شده و جلسه دادگاه نیز تشکیل گردیده و بر دادگاه معلوم شود که خواهان ذی نفع نمی باشد دادگاه در چنین صورتی، حکم به بی حقی خواهان می دهد و نظریه دیگری که در جلسه عنوان شده بدین صورت است که در این مورد، قرار رد دعوی از سوی دادگاه صادر می شود زیرا ماده ۲ ق.آ.د.م یک اصل کلی را اعلام نموده است.» (نشست قضایی دادگستری محمود آباد، بهمن ۷۹، نقل از مجموعه نشست های قضایی)

که موضوع عیناً در کمیسیون قضایی شماره ۴ دیوانعالی کشور مطرح و مقرر گردید: «ذینفع بودن مدعی بنا به عرف و حاکمیت عقل سلیم از بدیهیاتی تلقی می شود که سبب قبول دادخواست است از آنجا که در تشخیص ضابطه اصلی ذی نفع بودن، بدو اقدام به کسب دلایل خواهان می شود؛ لذا امر دفاع در ماهیت دعوی یا اعلام ایراد به آن، امری قانونی است و در حقیقت موارد ذی نفع بودن مورد نظر در ماده ۲ و ایراد به ذی نفع بودن مندرج در ماده ۸۴ به بیان موضوع واحد و نه بیان مسائل معارضند بلکه این دو مترتب بر هم تلقی شده و هر یک در جایکه خود قابل اقامه و ترتیب اثر است.» (نشست قضایی شماره ۴ دیوانعالی کشور،)

بنابراین کسی که در دادگاهی اقامه دعوی می کند باید در آن نفعی (اعم از مادی و معنوی) داشته باشد یعنی دعوی او عقلایی باشد و موضوعی را تعقیب نکند که برای او فایده نداشته باشد و به طور کلی نفع باید فعلیت داشته باشد و معنی آن این نیست که باید حتماً قبل از اقامه دعوی اضرار به وقوع پیوسته باشد و زیان رسیده باشد تا بتوان گفت نفع در دعوی فعلیت دارد بلکه ممکن است وقوع زبانی را در آینده احتمال بدهد و از حال بخواهد خود را در مقابل آن تجهیز کند. (متین دفتری، ۱۳۸۱) (مثل موردی که نسبت به طلب یا مال معینی که هنوز موعد تسلیم آن نرسیده باشد به صراحت م ۱۱۴ ق.آ.د.م. در صورتی که حق هستند به سند رسمی و خواسته در معرض تضییع یا تفریط باشد می توان درخواست تأمین نمود) البته نفع دارای شرایطی است که از حوصله بحث ما خارج است ولی همین مقدار ضروری است که باید دانست که نفع باید حقوقی و مشروع، بوجود آمده و باقی و بلا واسطه باشد. پس در مجموع می توان گفت در صورتی که فردی مبادرت به اقامه دعوایی نماید که با ذکر شرایطی که بیان شد نفعی در اقامه دعوی نداشته باشد یا اینکه در ابتداء امر مورد ایراد خواننده واقع می شود که در این صورت، در صورت وارد بودن ایراد، دادگاه با استناد به بند ۱۰ ماده ۸۴ ق.آ.د.م و با لحاظ ماده ۸۹ قانون مارالذکر مبادرت به صدور قرار رد دعوی خواهد نمود. یا اینکه این امر مورد ایراد خواننده واقع نمی شود ولی پس از انجام تحقیقات و رسیدگی دادگاه متوجه می شود که مدعی، حقی در اقامه دعوی نداشته است که در این صورت با توجه به ماده ۲ ق.آ.د.م حکم به بی حقی خواهان صادر و اعلام می شود پس نکته ظریفی که به آن اشاره نیز کردیم در اینجا معلوم می شود چرا که در مورد بند- ۱۰ م ۸۴ دادگاه مبادرت به صدور قرار رد دعوی می نماید که این رأی از اعتبار امر مختومه برخوردار نیست اما در صورت صدور حکم به بی حقی خواهان به استناد ماده ۲ ق.آ.د.م این حکم از اعتبار امر مختومه برخوردار می شود. البته نظر دیگری نیز وجود دارد و آن این که در صورت اقامه دعوی از سوی خواهان که نفعی در دعوی ندارد دادگاه با استناد به ماده ۲ ق.آ.د.م

مبادرت به صدور قرار عدم استماع دعوی می نماید چرا که در این صورت دعوی اصلاً قابلیت استماع را نداشته و دادگاه رأساً یا بنا به تقاضای خواننده، مبادرت به قرار عدم استماع دعوی خواهد نمود (حکیمی، دکتر خسرو، 1379)

ولی این نظر هر چند که از نظر رویه قضایی با آنچه که ما گفتیم تفاوتی ندارد. چرا که صدور قرار عدم استماع دعوی به جای قرار رد دعوی از حیث آثار تفاوتی ندارد. و از نظر دادگاه عالی انتظامی قضات صدور قرار رد دعوی بجای قرار عدم استماع یا بالعکس تخلف محسوب نمی شود چرا که تأثیری در حقوق اصحاب دعوی ندارد. ولی از حیث حقوقی و با توجه به قوانین همان صدور قرار رد دعوی به استناد مواد ۸۴ و ۸۹ ق.آ.د.م در صورت ایراد خواننده، و حکم به بی حقی خواهان در خصوص ماده 2 ق.آ.د.م در صورتی که دادگاه تشخیص دهد خواهان نفعی ندارد بهترین گزینه است.

۴-۹-۴- عدم مشروعیت

این ایراد در بند ۸ ماده ۸۴ ق.آ.د.م برای اولین بار آمده است و به موجب آن چنانچه مورد دعوی مشروع نباشد، خواننده می تواند نسبت به این امر ایراد نماید و دادگاه در صورت پذیرش ایراد مبادرت به قرار رد دعوی خواهد نمود. البته این بند (بند ۸ م ۸۴ ق.آ.د.م) در واقع، همان موارد مندرج در ماده ۶ قانون مذکور است چرا که در ماده ۶ قانون مار الذکر مقرر گردیده است: « عقود و قراردادهایی که محل نظم عمومی یا برخلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست ». اما در اینکه دادگاه، چطور در بدو امر مشخص می نماید که مورد دعوی مشروع نمی باشد و به عبارتی خواننده نیز در موقع طرح ایراد باید اثبات نماید که مورد دعوی مشروع نمی باشد. برای پاسخ به این سؤال باید در بدو امر به حقوق مدنی توجه داشت چرا که به موجب ماده ۲۱۵ ق.م: «مورد معامله باید(مالیت) داشته و متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد». باید دانست که کلمه « مشروع » مفهومی عام تر از کلمه « قانونی » است و دامنه به مراتب وسیع تر از کلمه « قانونی » دارد، کلمه مشروع ممکن است به وسیله قانون ممنوع شده باشد(مانند قتل و آدم ربایی و تعهد به کار دشوار برای کودکان و زنان) یا به وسیله اخلاق و نظم عمومی و از همین جهت است که ماده ۹۷۵ قانون مدنی دادگاه را از اجرای قراردادهایی که « بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می شود» منع کرده است و این حکم کنایه از بطلان این گونه قراردادهاست. (کانونزبان، ۱۳۷۶). اما باید توجه داشت که نامشروع بودن خلاف اصل است و نیاز به دلیل دارد. آنچه را قانون منع نکرده یا از نظم عمومی و اخلاق حسنه نمی توان دلیلی بر حرمت آن استخراج کرد مباح است (اصاله الا باحه) پس در هر جا که تردید در نامشروع بودن پیدا شود باید آن را نافذ شمرد. اما آنچه در این راه دشوار می نماید تدوین یا اعلام قاعده نیست، دشوار در تعیین مصداق های کار نامشروع است: نظم عمومی و اخلاق حسنه دو مفهوم اجتماعی نسبی و در حال حرکت و « شدن » است. (ص 198).

اما باید توجه داشت صرفاً نمی توان به بهانه نامشروع بودن روابط فی مابین طرفین، مورد دعوی را نامشروع دانست این مطلب بسیار مهمی است که باید به آن توجه داشت در غیر این صورت باعث می شود افرادی به حقوق حقه خود نرسند و لذا در این خصوص باید دستگاه قضایی به ظرافت برخورد کند. در رویه قضایی این مطلب به صراحت دیده می شود: در سال ۱۳۷۵ زنی علیه مردی به خواسته صدور حکم مبنی بر اثبات نسب و الزام خواننده به اخذ شناسنامه جهت فرزند مشترکشان اقامه دعوی می نماید. دادگاه با استناد به یک حکم کیفری که علیه زن و مرد مزبور به اتهام رابطه نامشروع صادر گردیده نسب عرق بین مولود مورد بحث را احراز و خواننده را محکوم به اخذ شناسنامه جهت نوزاد می نماید. شعبه ۲۲ دیوانعالی کشور با این استدلال که: «مقررات قانون ثبت احوال در ارتباط با اولاد شرعی و صدور سند سجلی برای آنهاست و هیچ گاه ناظر به اولاد غیر شرعی نمی باشد » داد نامه صادره را نقض می نماید. در دعوای مشابه دیگری دادگاه بدوی با این استدلال که مولود مورد بحث « حلال زاده » نمی باشد دعوای اخذ شناسنامه علیه پدر طفل را مردود اعلام می نماید. اما شعبه ۳۰ دیوانعالی کشور قرار رد دعوی را نقض و پرونده را جهت رسیدگی ماهوی به دادگاه تالی ارجاع می نماید با توجه به این که در موارد مشابه، از شعب دیوانعالی کشور، آراء معارض صادر گردیده هیأت عمومی دیوانعالی کشور تشکیل و اقدام به صدور رأی وحدت رویه به شرح ذیل می نماید. رأی شماره ۶۱۷-۳/۴/۱۳۷۶ به موجب بند الف م ۱ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ یکی از وظایف سازمان ثبت احوال ثبت ولادت و صدور شناسنامه است و مقنن در این مورد بین اطفال متولد از رابطه مشروع و نامشروع تفاوتی قائل نشده

است و تبصره ماده ۱۶ و ماده ۱۷ قانون مذکور نسبت به مواردی که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد و اتفاق در اعلام ولادت و صدور شناسنامه نباشد یا این که ابوین طفل نامعلوم باشد تعیین تکلیف کرده است. لیکن در مواردی که طفل ناشی از زنا باشد و زانی اقدام به اخذ شناسنامه نماید با استفاده از عمومات و اطلاق مواد یاد شده و مسأله ۳ و مسأله ۴۷ از موازین قضایی از دیدگاه حضرت امام خمینی رضوان... تعالی علیه، زانی پدر عرفی طفل تلقی و نتیجه کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده وی می باشد و حسب ماده ۸۸۴ قانون مدنی صرفاً موضوع توارث بین آنها منتفی است و لذا رأی شعبه سی ام دیوانعالی کشور که براین مبنا صادر شده است موجه و منطبق با موازین شرعی و قانونی تشخیص می گردد (شمس، ۱۳۸۱)

بنابراین مشاهده می شود که هر چند موضوع (زنا) فی نفسه مشروعه نیست اما مورد دعوی که همان اخذ شناسنامه ناشی از زناست از نظر دیوان نامشروعی تلقی نشده است و این همان ظرافتی است که واقعا باید در دستگاه قضایی به دقت مورد توجه قرار گیرد. اما در صورتیکه خود مورد دعوی مشروع نباشد مثلاً زنی در محکمه علیه مردی اقامه دعوی نماید و ادعا کند چون فی مابین آنها رابطه نامشروع وجود داشته است و در حال حاضر مرد حاضر به وجود این رابطه نیست و ایشان به همین علت دچار بیماری یا افسردگی شده و تقاضای خسارت کرده است چون مورد دعوی مشروع نمی باشد دو حالت متصور است:

۱- این امر مورد ایراد خوانده واقع می شود که در این صورت دادگاه در صورت پذیرش ایراد، مبادرت به صدور قرار رد دعوی با استناد به بند ۱ ماده ۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی و با لحاظ ماده ۱۹ قانون مذکور خواهد نمود.

۲- مورد دعوی نامشروع است ولی به هر علت مورد ایراد خوانده قرار نمی گیرد مثلاً مورد دعوی، روابط ناشی از قمار و گرو بندی است که در این جا از آن جا که برابر ماده ۳۰۳ قانون مدنی: «قمار و گرو بندی باطل و دعاوی راجعه به آن مسموم نخواهد بود و همین حکم در مورد کلیه تعهداتی که از معاملات نامشروع تولید شده باشد جاری است». دادگاه با لحاظ ماده مذکور و همین طور با توجه به ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی مبادرت به قرار عدم استماع دعوی خواهد نمود. پس عملاً ممکن است دادگاه با مبادرت به قرار رد دعوی یا قرار عدم استماع دعوی نماید که عملاً از حیث آثار تفاوتی با همدیگر ندارند. این ایراد در قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه نیامده است در عین حال چنانچه دعوایی منطبق با شرایط قانونی نباشد خوانده می تواند به استناد ماده ۱۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه ایراد عدم فقدان شرایط قانونی و حق اقدام را مطرح نماید که این امر از جمله ایرادات عدم پذیرش محسوب می گردد.

نتیجه گیری

- ایرادات طرق عمده دفاع شکلی است که به موجب آن خوانده (و بعضاً خواهان) بدون اینکه ماهیتاً دعوی را رد کند به طور شکلی به دعوی ایراد وارد می نماید و جریان دادرسی را مختل می کند گاهی نیز با توجه به این که ایراد جنبه نظم عمومی دارد، قاضی دادگاه نیز رأساً به آن توجه می نماید و مبادرت به صدور قرار می نماید مثل ایراد عدم صلاحیت ذاتی دادگاه که در صورتی که قاضی دادگاه متوجه این موضوع شود حتی بدون ایراد از سوی اصحاب دعوی مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت می نماید.

- زمان طرح ایرادات که در ماده ۸۷ ق.آ.د.م تا پایان اولین جلسه دادرسی مقرر شده است منصرف از ایراداتی است که جنبه نظم عمومی دارد و از قواعد آمره محسوب می شوند چرا که برای مثال چنانچه ایراد عدم صلاحیت ذاتی از سوی خوانده حتی بعد از اولین جلسه دادرسی به عمل آید دادگاه می بایست به آن توجه نماید و الا در صورتی که بدون توجه به این ایراد مبادرت به تصمیم گیری نماید در هر صورت رأی صادره که بدون توجه به صلاحیت ذاتی صادر شده است در مرحله تجدیدنظر یا فرجام خواهی، نغض می شود، بنابراین لازم است دادگاه به ایراد عدم صلاحیت ذاتی، حتی اگر بعد از اولین جلسه دادرسی مطرح شود توجه نموده و در خصوص آن قرار صادر نماید یعنی در صورت عدم پذیرش ایراد، ایراد وارده را رد نموده مبادرت به رسیدگی کند و در صورت پذیرش ایراد مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت به شایستگی مرجع ذی صلاح نماید.

- ایراداتی که جنبه نظم عمومی ندارند و از قواعد آمره محسوب نمی شوند مثل ایراد عدم صلاحیت محلی، باید تا پایان جلسه اول دادرسی به عمل آید در غیر این صورت به صراحت ماده ۹۰ ق.آ.د.م (مصوب ۱۳۷۹) دادگاه مکلف نیست جدا از ماهیت

دعوی نسبت به آن رأی دهد لذا چنانچه، برای مثال خواننده بعد از اولین جلسه دادرسی ایراد عدم صلاحیت محلی دادگاه را مطرح نماید دادگاه، با توجه به اینکه ایراد در موعد مقرر قانون مطرح نشده است و از سوی دیگر این ایراد از زمره قواعد آمره محسوب نمی شود. دادگاه بدون توجه به ایراد مبادرت به صدور رأی می نماید و این رأی قابل نقض نمی باشد (مستنداً به مواد ۸۷، ۹۰ و قسمت اخیر بند ۱ م ۳۷۱ ق.آ.د.م مصوب ۱۳۷۹).

- به صورت کلی واکنش منفی طرف مقابل، نسبت به سند ابرازی، علاوه بر دفاع ماهیتی یا واکنش نسبت به مفاد سند که به صورت دفاع در ماهیت انجام می شود ممکن است نوعی واکنش یا حمله به ساختمان و شکل مادی یا ظاهری سند باشد که ما آن را تحت عناوین ۳ گانه دفاع شکلی در برابر سند (انکار، تردید، جعل) مورد بحث و بررسی قرار داده، اقسام، آئین، موعد و سایر مقررات آن را به تفصیل برشمرده ایم.

- صور واکنش ابراز کننده سند، متعاقب دفاع شکلی یا تعرض به اصالت آن از سوی خواننده، را در پنج حالت در این تحقیق مورد بررسی قرار داده ایم که عبارتند از، استرداد دعوی، استرداد سند مورد تعرض، اعلام بقای بر استفاده از سند، سکوت و اظهار جهل و نکول .

- آثار دفاع شکلی در برابر سند (همزمان با تعرض + پس از ختم رسیدگی): به محض دفاع شکلی خواننده یا تعرض به اصالت سند، و نیز در طول رسیدگی به آن و پس از انجام رسیدگی به تعرض، پیامدها و آثاری (ممنوعیت ارائه رونوشت از سند مورد تعرض، به محض ایراد تعرض؛ آثار رسیدگی به تعرض بر سند مورد تعرض بر اشخاص ثالث؛ مسئولیت مدنی و جزائی مطروحه ناشی از تعرض؛ ایجاد زمینه اعتبار امر مختوم در اثر رسیدگی به تعرض؛ ایجاد زمینه اعاده دادرسی؛ وضعیت اجرای اسناد و قرارها؛ الزام دادگاه بر توجه به نتیجه رسیدگی؛ ادامه رسیدگی به دعوی اصلی؛ اعلام نتیجه جعل به دادستان یا رئیس حوزه قضائی؛ تعیین تکلیف سند مورد تعرض) بوجود می آید که مطالعه آنها از نقطه نظر مقررات و قواعد آیین دادرسی - مفید و حائز اهمیت می باشد.

پذیرش مستندات الکترونیکی یا داده پیام، در مقام هر دلیل منوط به تأمین شرایط قانونی آن دلیل در محیط الکترونیکی است هنگامی که مواجهه با دادرسی یا نظارت عینی ثالث شرط شکلی دلیل باشد. محیط الکترونیکی قادر به تأمین آن شرایط نخواهد بود. اما هر گاه نوشته بودن با امضاء شدن قید دلیل گردد داده پیام مشروط به اینکه از نظر فنی مطمئن باشد برابر نوشته و امضاء دستی خواهد بود. با پذیرش و شناسایی مستندات الکترونیکی در مقام یک دلیل سند مذکور از ارزش اثباتی آن دلیل بهره مندمی شود. بطور کلی قانونگذار ما در مواجهه با پدیده نوین دلایل الکترونیکی از اتخاذ چهار قاعده ناگزیر است:

۱- قابلیت پذیرش دلایل الکترونیکی به این معنی که صرف الکترونیکی بودن دلیل مانع پذیرش آن نباشد.

۲- مشروط بودن برابری داده پیام با نوشته دستی بر مطمئن بودن داده.

۳- فرض مطمئن بودن داده هایی که کدهای رمز نگاری آن توسط مراجع ذیصلاح تولید شده است.

۴- برابری ارزش اثباتی دلایل الکترونیکی با دیگر دلایل.

منابع و مأخذ

الف-فارسی

الف: کتابها

- ۱- امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، جلد ششم، انتشارات ابوریحان، چاپ هفتم، ۱۳۷۵
- ۲- اسکینی - دکتر ربیعا- حقوق تجارت - کلیات معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیتهای تجاری- انتشارات سمت - چاپ چهارم- ۱۳۷۸
- ۳- انصاری - شیخ مرتضی - رسائل - چاپ تیریزی -
- ۴- الماسی - دکتر نجاد علی - تعارض قوانین - انتشارات مرکز نشر دانشگاهی - چاپ ششم - ۱۳۸۹
- ۵- آزمایش - دکتر علی - تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی- انتشارات دانشگاه تهران- ۱۳۷۵
- ۶- پور بدخشان - جعفر- تعرض به سند - چاپ دوم - انتشارات جاودانه - ۱۳۸۹

- ۷- پاد ابراهیم - تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی - انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۵
- ۸- جعفری لنگرودی - دکتر محمد جعفر - دانشنامه حقوقی - جلد چهارم - چاپ دوم - انتشارات امیر کبیر - ۱۳۷۸
- ۹- جعفری لنگرودی - دکتر محمد جعفر - محشای قانون مدنی - چاپ اول - انتشارات گنج دانش - ۱۳۷۹
- ۱۰- جعفری لنگرودی - دکتر محمد جعفر - دایره المعارف اسلامی (قضایی) - جلد دوم - چاپ اول - انتشارات گنج دانش - ۱۳۶۱
- ۱۱- جعفری لنگرودی - دکتر محمد جعفر - دایره المعارف اسلامی (قضایی) - جلد اول - چاپ اول - انتشارات گنج دانش - ۱۳۶۱
- ۱۲- جعفری لنگرودی - دکتر محمد جعفر - مبسوط در ترمینولوژی حقوق - جلد ۵ - چاپ سوم - انتشارات گنج دانش - ۱۳۷۸
- ۱۳- جعفری لنگرودی - دکتر محمد جعفر - دانشنامه حقوقی - جلد اول - چاپ ششم - انتشارات امیر کبیر - ۱۳۶۸
- ۱۴- جعفری لنگرودی - دکتر محمد جعفر - دانشنامه حقوقی - جلد دوم - چاپ پنجم - انتشارات امیر کبیر - ۱۳۷۸
- ۱۵- جعفری لنگرودی - دکتر محمد جعفر - دانشنامه حقوقی - جلد سوم - چاپ اول - انتشارات گنج دانش - ۱۳۷۶
- ۱۶- جعفری لنگرودی - دکتر محمد جعفر - دایره المعارف علوم اسلامی - جلد اول - چاپ اول - انتشارات گنج دانش - ۱۳۶۱
- ۱۷- حسین نژاد - حسینقلی - ادله اثبات دعوی - چاپ اول - نشر میزان - ۱۳۷۴
- ۱۸- حسینی - سید محمد رضا - قانون مدنی در رویه قضایی - چاپ اول - انتشارات مجد - ۱۳۷۹
- ۱۹- رشتی - حبیب الله - کتاب الفضاء - انتشارات دارالقرآن کریم (۱۴۰۱ ه.ق) جلد اول
- ۲۰- درویش زاده - محمد - مجموعه نشستهای قضایی - چاپ اول - انتشارات جاودانه - ۱۳۷۸
- ۲۱- زراعت - دکتر عباس - منابع آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی - چاپ اول - انتشارات خط سوم - ۱۳۷۹
- ۲۲- سلیمان پور - محمد - جعل اسناد در حقوق ایران و از نظر حقوق تطبیقی - چاپ اول - انتشارات خوارزمی - ۱۳۴۱
- ۲۳- شمس - دکتر عبدالله - آیین دادرسی مدنی - جلد اول - چاپ اول - انتشارات دراک - ۱۳۸۴
- ۲۴- شمس - دکتر عبدالله - آیین دادرسی مدنی - جلد دوم - چاپ اول - انتشارات دراک - ۱۳۸۴
- ۲۵- شمس - دکتر عبدالله - آیین دادرسی مدنی - جلد سوم - چاپ اول - انتشارات دراک - ۱۳۸۴
- ۲۶- شیخ نیا - امیر حسین - ادله اثبات دعوی - چاپ سوم - انتشارات شرکت سهامی انتشار - ۱۳۷۵
- ۲۷- شهید اول - محمد بن مکی - لعمته دمشقیه - جلد اول - چاپ ۱۸ - انتشارات دارالفکر - ۱۳۸۱
- ۲۸- صدر زاده افشار - دکتر سید محسن - ادله اثبات دعوی در حقوق ایران - چاپ سوم - انتشارات مرکز نشر دانشگاهی - ۱۳۷۶
- ۲۹- عمید - دکتر حسن - فرهنگ فارسی عمید - انتشارات امیر کبیر - ۱۳۶۱
- ۳۰- کاتوزیان - دکتر ناصر - قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی - چاپ دهم - نشر میزان - ۱۳۸۳
- ۳۱- کاتوزیان - دکتر ناصر - اثبات و دلیل اثبات - جلد اول - چاپ هفتم - نشر میزان - ۱۳۸۰
- ۳۲- کاتوزیان - دکتر ناصر - قواعد عمومی قرار دادها - جلد سوم - چاپ چهارم - نشر میزان - ۱۳۸۳
- ۳۳- کاتوزیان - دکتر ناصر - اعمال حقوقی (عقد و ایفای) چاپ دوازدهم - نشر شرکت سهامی انتشار - ۱۳۸۶
- ۳۴- کاتوزیان - دکتر ناصر - وصیت در حقوق مدنی ایران - چاپ پنجم - نشر میزان - ۱۳۸۴
- ۳۵- کاتوزیان - دکتر ناصر - عدالت قضایی (گزیده آراء) نشر دادگستر - چاپ اول - ۱۳۷۸
- ۳۶- کاتوزیان - دکتر ناصر - الزامهای خارج از قرار داد - جلد اول - چاپ سوم - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۸۷
- ۳۷- کاتوزیان - دکتر ناصر - درسهایی از وصیت - شفعه - ارث، چاپ پنجم - نشر میزان - ۱۳۸۴
- ۳۸- کاتوزیان - دکتر ناصر - مقدمه علم حقوق - چاپ پنجاه و چهار - انتشارات شرکت سهامی انتشار - ۱۳۸۶

- ۳۹- کاتوزیان - دکتر ناصر - از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود (زندگی من) چاپ اول - شرکت سهامی انتشار - ۱۳۸۵
- ۴۰- لطفی - اسدالله - ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه - چاپ دوم - انتشارات مجد - ۱۳۸۳
- ۴۱- گلدوزیان - دکتر ایرج - ادله اثبات دعوا - چاپ چهارم - نشر میزان - ۱۳۷۱
- ۴۲- گلدوزیان - دکتر ایرج - محتشای قانون مجازات اسلامی - چاپ ششم - انتشارات مجد - ۱۳۸۴
- ۴۳- معین - دکتر محمد - فرهنگ فارسی - جلد دوم - چاپ چهارم - انتشارات امیر کبیر - ۱۳۶۰
- ۴۴- مدنی - دکتر سید جلال الدین - ادله اثبات دعوا - چاپ اول - انتشارات گنج دانش - ۱۳۷۰
- ۴۵- محمدی - دکتر ابوالحسن - مبانی استنباط حقوق اسلامی - چاپ بیستم - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۸۴
- ۴۶- مهاجری - دکتر علی - مبسوط در آیین دادرسی مدنی - جلد دوم - چاپ دوم - انتشارات فکر سازان - ۱۳۸۹
- ۴۷- میرزایی - علیرضا - محتشای قانون آیین دادرسی مدنی - چاپ چهارم - انتشارات بهنامی - ۱۳۸۸
- ۴۸- مصلاهی علیرضا - جعل و تزویر در حقوق کیفری ایران - چاپ دوم - نشر خط سوم - ۱۳۸۲
- ۴۹- متین دفتری - دکتر احمد - آیین دادرسی مدنی و بازرگانی - جلد دوم - چاپ اول - انتشارات مجد - ۱۳۷۸
- ۵۰- نجابتی - مهدی - جزوه کشف علمی جرائم - انتشارات قوه قضاییه - ۱۳۸۰
- ۵۱- واحدی - دکتر قدرت الله - آیین دادرسی مدنی - جلد دوم - چاپ اول - نشر میزان - ۱۳۷۷
- ۵۲- یلقانی - علی اکبر - شرح و تفسیر قوانین دادرسی مدنی - جلد اول - چاپ اول - انتشارات امیرکبیر - ۱۳۸۰

ب: پایان نامه‌ها

- ۱- پوریدخشان، جعفر، پایان نامه (تعرض به سند)، سال ۸۸، دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۲- جرقعی، سید جعفر، پایان نامه (تعرض به سند)، سال ۸۰-۷۹، دانشگاه آزاد اسلامی.

ج: منابع الکترونیکی

- ۱- بقال، شیروان، محمود، پایگاه حقوقی ویج ایران. www.vijiran.com
- ۲- صفرنژاد، حسن، نظریات مشورتی، فصل ۴، مدنی، اردیبهشت ۹۲.

CARBONNIER, Jean. Introduction au droit, Thémis, PUF, 27è éd. 2002, n°177.

Code civil français. Retrived From <https://archive.org/details/codecivil01fran>

DIRECTIVE 1999/93/EC OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 13 December 1999 on a Community framework for electronic signatures

DIRECTIVE 2000/31/EC OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 8 June 2000 on certain legal aspects of information society services, in particular electronic commerce, in the Internal Market (Directive on electronic commerce)

Henri, léon et Jean MAZEAUD, Leçons de droit civil, Quatrième édition par Michel de JUGLART, 1967. Premier volume, n 155

KAINIYA, Mohammad. (2008). LA SIGNATURE ELECTRONIQUE, Mémoire pour le master 2 de droit notariat. Université Jean-Moulin Lyon III

KAINIYA, Mohammad. (2011). La dématérialisation des actes et conventions (de l'expérience française à sa réception par le droit iranien?), Thèse de doctorat. Université Jean-Moulin Lyon3.

La loi n° 2000-230 du 13 mars 2000 Adoptée par le Parlement français

Le décret n°2001-272 du 30 mars 2001 Le gouvernement français a approuvé

Le décret n° 2005-973 du 10 août 2005 Le gouvernement français a approuvé

REYNIS, Bernadrd, Notariale est reconnue sécurisée : une avancée majeure, Répertoire du notariat, Defrénois, 30 octobre 2007 n°20

UNCITRA Model Law on Electronic Commerce Guide to Enactment. (1996). Retrived 2007, From <http://www.uncitral.org/english/texts/elecom/ml.html>

UNCITRAL Model Law on Electronic Signatures with Guide to Enactment. (2001). Retrived 2008, From <http://www.uncitral.org/english/texts/elesig/m;-esign.html>

United Nations Convention on the Use of Electronic Communications in International Contracts

UNIFORM ELECTRONIC TRANSACTIONS ACT (1999). Approved by the American Bar Association Dallas, Texas, February 14, 2000